

نسخه‌های خطی مدینه منوره  
مختصری درباره نسخه‌های خطی آثار مؤلفان شبه قاره  
در کتابخانه‌های مدینه منوره<sup>۱</sup>

\* عارف نوشاهی

\*\* ترجمه سید عبدالقادر هاشمی

چکیده

راقم بدنبال مشاهده نسخه خطی مشابه با نسخه خطی معدن‌الدرر که سالها قبل در تهران آن را تصحیح و به چاپ رسانیده است در سفری زیارتی به مدینه منوره به کتابخانه عبدالعزیز مراجعت نموده و نسخه مذکور را در نسخه‌های خطی گنجینه عارف حکمت موجود در آن کتابخانه می‌یابد، پس از تطبیق آن نسخه با معدن‌الدرر و پی بردن به تشابه آن دو به هدف خود نایل آمده اما برخورد کتابدار کتابخانه، او را بر آن می‌دارد که به مطالعه دیگر نسخ خطی پرداخته و به معرفی آنها اقدام نماید. در نتیجه پس از تطبیق دو نسخه که به آن اشاره شد، مقاله به توصیف کتابخانه تحت عنوان «مکتبه ملک عبدالعزیز» می‌پردازد و نسخه‌های خطی بعضی از مخازن مهم آن را نیز نام می‌برد. در بحث بعدی، کتابخانه «شیخ عارف حکمت»، مجموعه

Email: anaushahi\_2000@yahoo.com

\*. مدیر گروه فارسی دانشکده دولتی گوردن، راولپندی.

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی نو.

وقفی که مهمترین گنجینه کتابخانه ملک عبدالعزيز محسوب می‌شود، توصیف و توضیح داده شده است.

عنوان بعدی، فهرست نسخه‌های خطی این مجموعه به ترتیب الفبا است و نیز نسخه‌های خطی گنجینه‌های دیگر که آنها هم به ترتیب حروف الفبا آورده می‌شود. در انتهای مقاله کتابخانه مسجد النبوی شریف مورد شرح و توصیف قرار می‌گیرد.

کلیدواژه: مدینه منوره، معدن الدرر، کتابخانه عبدالعزيز، کتابخانه شیخ عارف حکمت، فهرست نسخ خطی، کتابخانه مسجد النبوی شریف.

فرستی یافتیم که از ۱۵ جمادی الثانی تا ۱۶ رجب ۱۴۲۶ هـ / ۲۱ ژوئیه تا ۲۱ اوت ۲۰۰۵ م در عربستان سعودی اقامت داشته باشیم. هدف این سفر به جای آوردن عمره بود. هجده روز را در حرم مکه و سیزده روز را در حرم مدینه گذراندم. سعی داشتم که مطابق هدف اصلی بیشترین اوقات را در حرمین شریفین بگذرانم و برکات الهی را سهم خویش کنم.

هنگام عزیمت از پاکستان<sup>۲</sup> قصد داشتم که اگر طی اقامتم در مدینه منوره فرصتی مناسب بدست آمد، روزی به کتابخانه ملک عبدالعزيز رفته، نسخه خطی معدن الدرر فی سیره الشیخ حاجی عمر را نیز ببینم. چهار سال پیش هنگامی که براساس نسخه خطی گنجینه چلبی عبدالله افندی، کتابخانه سلیمانیه استانبول، به شماره ۳۰۲ تدوین و تصحیح این کتاب را با همکاری دکتر معین نظامی آغاز کردیم، اطلاع یافتیم که در مدینه منوره نیز نسخه‌ای خطی به فارسی وجود دارد که موضوع و نام مؤلف آن با موضوع و نام کتاب ما شباهت دارد. بنده سعی کردم که عکس آن را توسط یکی از خویشاوندانم آقای شاه نواز نوشاهی بدست آورم، ولی موفق نشدم و در سال ۲۰۰۴ م کتاب معدن الدرر بدون مشاهده نسخه «مدینه منوره» در تهران انتشار یافت. ماجرای آن را در مقدمه خود در چاپ تهران در صفحه سی و پنجاه و یک نوشته‌ام. در آنجا این را نیز نوشته بودم که برای اظهار نظر قطعی درباره این نسخه خطی که آیا معدن الدرر است، دیدن آن الزامی است. حال که خودم به مدینه منوره رسیدم، برای من فرصتی بود که به کتابخانه مراجعه کرده و آن را ببینم و به نتیجه‌ای برسم. در روز دوم اوت از یک دو نفر نشانی را پرسیده به ساختمان کتابخانه عبدالعزيز رسیدم. نسخه چاپ شده معدن الدرر (تهران) را با خود برده بودم. یک تالیف دیگر خود، کتابشناسی توصیفی

فهرست‌های خطی پاکستان و بنگلادیش را نیز به عنوان تقریب ملاقات با خود گرفتم و هر دو کتاب را به مدیر کل کتابخانه تقدیم کردم و از او تقاضا کردم که نسخه‌های خطی گنجینه عارف حکمت را - که نسخه مورد نظر من در آنجا بوده - ببینم. او مرا به سوی گنجینه عارف حکمت راهنمایی کرد. با کتابدار آنجا ملاقات کردم و از دفتر نسخه‌های خطی، شماره راهنمای نسخه خطی را برداشته به کتابدار دادم. کتابدار بی‌درنگ نسخه خطی را آورده به دست من داد. دیدم که تذکره همان کسی است که معدن الدرر در شرح احوال آن تألیف شده است اما با اختصار.

تا سه روز مرتب قبل از ظهرها به آنجا می‌رفتم و هر روز سه چهار نسخه خطی را می‌دیدم و یادداشت‌های لازم را برمی‌داشتم. روز سوم سفرنامه سیرالبلاد خادم، تألیف یکی از مؤلفان هندی را دیدم. این نسخه به قدری جالب و نادر بود که تمام وقت صرف خواندن و برداشتن یادداشت‌های آن شد. کتابدار نیز همه اینها را می‌دید. پیش من آمد و گفت که به جای برداشتن یادداشت، عکس آن را بگیرید زیرا بدین طریق در وقتان صرفه‌جویی خواهد شد. پیشنهاد معقولی بود اما با در نظر گرفتن هزینه یک ریال و نیم سعودی برای هر برگ گرفتن عکس کتابی با این ضخامت از عهده من خارج بود و شایسته دانستم که در آنجا بنشینم و اقتباسات لازم را یادداشت کنم. وقتی صبح روز چهارم به آنجا رفتم و نسخه را خواستم، کتابدار صریحاً منع کرد و گفت:

این طور در اینجا نشستن و نقل کردن نسخه خطی «حرام» است (او دقیقاً واژه «حرام» را بکار برده بود). زیرا با این کار خطر آسیب رسیدن به نسخه خطی وجود دارد. اگر شما به موزه بریتانیا بروید، در آنجا نیز به خاطر احتیاط به جای اصل نسخه میکروفیلم یا عکس آن را برای مطالعه در اختیار شما قرار خواهند داد.

این دلیل کتابدار را - که شاید تا حدودی درست هم بود - شنیدم و بدون این که حرفی بزنم، با دلی آکنده برخاستم و در طبقه پایین به بخش عمومی نسخه‌های خطی رفتم و از دفترهای مختلف شماره‌ها نسخه‌های مورد نظر را یادداشت کردم و شماره راهنمای دو نسخه خطی را به کتابدار دادم. او نیز بدون مطالبه هیچگونه شناسایی شخصی، هر دو نسخه را آورده به دست من داد و من نیز پس از دیدن و تهیه یادداشت‌های لازم آنها را برگرداندم و از کتابدار دو نسخه دیگر خواستم. کتابدار گفت که برای هر رجوع کننده‌ای فقط یک بار به مخزن نسخه‌های خطی رفته نسخه‌ها بیرون

آورده می‌شود و تقاضای نوبت دوم قبول نمی‌شود. با وجود این محدودیت‌ها، می‌خواستیم که حداقل نسخه‌هایی را که شماره و نام‌شان را از دفتر نقل کرده‌ام حتماً ببینم. برای این مقصود این چاره را اختیار کردم که در گنجینه عارف حکمت، در نوبت بعد از ظهر نسخه‌های خطی باقی مانده را ببینم چون کتابدار نوبت بعد از ظهر، آقای ماجد العوفی جوانی فراخدل و آماده به کمک بود. در یک جلسه از او شش هفت نسخه خطی خواستیم، همه را در اختیار من گذاشته و هیچ‌گونه اظهار ناراحتی نکرد.

در مخزن عمومی نسخه‌های خطی دو نسخه خطی را صبح و دو نسخه را بعد از ظهر می‌دیدم اما در آن جا نیز در روز نهم اوت (۱۹ مرداد) فردی که پشت پیشخوان کتابخانه حضور داشت گفت که شما هر روز به این جا می‌آیید و نسخه‌های خطی را می‌بینید؛ در آینده از نشان دادن نسخه‌های خطی معذوریم. لذا بعد از این به مخزن عمومی مراجعه نکردم. ممنوعیت بر آوردن نسخه‌های خطی برای دومین بار را نتوانستم درک کنم در حالی که در روزهایی که صبح و بعد از ظهر به بخش نسخه‌های خطی می‌رفتم، غیر از خودم کسی را ندیدم که رجوع کند و بتوانم از روی آن حدس بزنم که کتابدارها کارشان سنگین است. این محدودیت جزء مقررات کاری کتابخانه هم بنظر نمی‌رسید. اگر چنین می‌بود کتابدار آقای ماجد العوفی نیز همان عذرخواهی را می‌کرد که کتابداران نوبت صبح می‌کردند. به نظر من اینها همه‌اش نشان دهنده رفتار ذاتی و اخلاق شخصی است که ما در کتابخانه‌های مشرق زمین همه جا می‌بینیم و به خاطر نیاز مبرم علمی خویش تحمّل می‌کنیم. برنامه‌های متعدد علمی پژوهشگران و دانشجویان فقط به دلیل تنگ چشمی، خست، کمبود شعور فرهنگی و تساهل ناتمام می‌ماند. اما حقیقت امر اینست که با وجود وقت محدود خودم و محدودیت‌های تعیین شده توسط کتابداران، من در هفت جلسه مختلف نسخه‌های متعدد مهم کتابخانه ملک عبدالعزیز را نگاه کردم و یادداشت‌های لازم را تهیه کردم. من روز اول که به کتابخانه رفتم، تنها هدفم دیدن نسخه خطی معدن الدرر بود و بعد از آن با تعیین ترجیحات، نسخه‌های دیگر را نگاه کردم تا بتوانم در مدت محدود حداکثر استفاده را ببرم. ترجیحات من چنین بود:

۱. نسخه‌های مهم از آثار مؤلفان شبه قاره

۲. نسخه‌های کهن از نظر کتابت

۳. نسخه‌هایی جدید راجع به موضوعاتی که در طی چند سال گذشته روی آن کار کرده‌ام. و اکنون می‌خواستیم برای تکمیل تحقیقات به آنها مراجعه کنیم.

از آنجا که رشته کارم ادبیات فارسی است، نسخه‌هایی که دیدم تماماً فارسی بود، جز چند نسخه که به عربی بود و در جای خود تصریح شده است.

### کتابخانه ملک عبدالعزیز

مکتبه [کتابخانه] ملک عبدالعزیز در شارع المناخه جنب مسجد النبی شریف، در جانب غربی آن قرار دارد. از هر یکی از درهای غربی محوطه مسجد النبی که بیرون بیاید، نخستین خیابان بیرون از حرم نبوی شارع المناخه است. بنای باشکوه چهار طبقه کتابخانه واقع در آن را با نامی که با حروف بزرگ و به رنگ سبز روی سر در آن نوشته شده از دور می‌توان شناخت. این یکی از کتابخانه‌های بزرگ مدینه منوره است و زیر نظر و کالاه وزارت لشؤون الاوقاف که تحت وزارت لشؤون الاسلامیه و الاوقاف و الدعوة و الارشاد دولت عربستان سعودی فعالیت می‌کند. سنگ بنای آن را ملک فیصل بن عبدالعزیز آل سعود در روز سوم محرم ۱۳۹۳ هـ / هفتم فوریه ۱۹۷۳ م گذاشته بود و آن را ملک فهد بن عبدالعزیز آل سعود در روز شانزدهم محرم ۱۴۰۳ هـ / ۲ نوامبر ۱۹۸۲ م افتتاح نمود. این کتابخانه ده بخش دارد و از آن جمله بخش نسخه‌های خطی مشتمل است بر سه بخش دیگر. در طبقه همکف بخش نسخه‌های خطی عمومی قرار دارد. در طبقه اول بخش‌های کتابخانه المصحف الشریف و کتابخانه شیخ عارف حکمت جای گرفته است. در بخش عمومی ۱۳/۰۰۰ نسخه و در کتابخانه شیخ عارف حکمت ۸/۰۰۰ نسخه خطی وجود دارد. در مکتبه المصحف الشریف ۱۸۷۸ نسخه خطی و ۸۴ قرآن مجید عکسی موجود است. مدیر کل کتابخانه مرا به مکتبه المصحف الشریف برده مصاحف کریم را که در ویتترین‌ها نگاه‌داری می‌شود، نشان داد. قدیمی‌ترین نسخه مصحف روی پوست آهو به خط علی بن محمد البطلیوسی است که در سال ۴۸۸ هـ. تحریر یافته است. در این مکان نسخه‌ای از قرآن کریم را هم دیدم که به اندازه ۸۰×۱۴۲ سانتی‌متر و به وزن ۱۵۴ کیلوگرم است. سال کتابت آن ۱۲۴۰ هـ. است. چنانکه از شیوه خط صفحاتی که باز است، حدس زدم، کاتب آن غلام محی‌الدین اهل شبه قاره است. بین السطور آیات ترجمه فارسی نیز وجود دارد. از مدیر کل تقاضا کردم که آخرین صفحه را باز نموده نشان بدهند تا بتوان عبارت کامل انجامه یا ترقیمه را نقل کنم. مدیر کل عذر موجه‌ای ارائه کرد که نسخه و زنش به قدری زیاد است که او نمی‌تواند باز کند. در کتابخانه ملک عبدالعزیز ۳۲ مخزن کوچک و بزرگ وجود دارد. بعضی از مخزن‌های مهم نسخه‌های خطی عبارت است از:

۱. مکتبه شیخ عارف حکمت
۲. مکتبه شیخ ابراهیم الخنتی
۳. مکتبه مدرسه القازانیه
۴. مکتبه المدینه المنوره العامه
۵. مکتبه مدرسه العرفانیه
۶. مکتبه الجبرت
۷. مکتبه مدرسه الاحسانیه
۸. مکتبه الساقزلی
۹. مکتبه شیخ عمر حمدان
۱۰. مکتبه آل صافی
۱۱. مکتبه کیلی ناظری
۱۲. مکتبه مدرسه قره باش
۱۳. مکتبه رباط سیدنا عثمان بن عفان (رض)
۱۴. مکتبه شیخ عبدالقادر شلبی
۱۵. مکتبه شیخ محمد نور کتبی
۱۶. مکتبه محمودیه
۱۷. مکتبه بشیرآغا
۱۸. مکتبه الشفاء

نرم افزار فهرست مشترک (Union Catalogue) این مخزن ها در دسترس عموم است و می توان از کامپیوترهایی که در کتابخانه قرار داده شده، کمک گرفت. علاوه بر این در کتابخانه دفترهای بزرگ و کارت کتابخانه نیز موجود است که روی آن مشخصات نسخه های خطی حروف نگاری شده است. فهرست های چاپی زیر نیز در دست است:

۱. فهرس مخطوطات الحدیث الشریف و علومه فی مکتبه الملك عبدالعزيز بالمدينه المنوره، اعداد: عمار بن سعید تمالت، مراجعة: الدكتور عبدالرحمن بن سليمان المزینی، ناشر: مکتبه الملك عبدالعزيز، مدینه منوره، ۱۴۲۳ هـ / ۲۰۰۲ م، ۷۳۲ صفحه.
۲. مخطوطات مکتبه بشیرآغا بالمدينه المنوره: فهرس وصفی، باشراف: دكتور عبدالباسط بدر، دكتور مصطفى عمار منلا، مراجعة: دكتور محمد يعقوب ترکستانی، دكتور احمد محمد الخراط، ناشر: مرکز بحوث و دراسات المدینه المنوره، ۱۴۲۱ هـ / ۲۰۰۱ م، ۸۱۱ ص. در این فهرست نسخه های خطی عربی، فارسی و ترکی شامل است.<sup>۳</sup>

کتابخانه عمومی خدابخش پتنه نیز یک کتابشناسی مربوط به فهرست های نسخه های خطی موجود در دانشگاه اسلامی مدینه منوره چاپ کرده بود به عنوان: الفهرست لفهارس المخطوطات المخزونه فی الجامعه الاسلامیه بالمدينه المنوره، ۱۹۹۶ م، ۴۲ ص.

در اینجا ذکری از مقاله ای تحت عنوان «برخی از جواهر پاره های کتابخانه های مدینه

منوره» تألیف سید نعیم حامد علی الحامد، انتشار یافته در فصلنامهٔ مخدوم بهار شریف هند، شماره ۳، [۲۰۰۳ م.] (صص ۱۳۳-۱۳۷) لازم است.

در این مقاله سه نسخه خطی فارسی دیوان واله داغستانی، خریطهٔ جواهر مظهر جان جانان، دیوان شیخ خالد نقشبندی مجددی ذکر شده است. مقاله‌نگار تمام نیرویش را برای نوشتن احوال مؤلفان بکار برده است که همه از پیش می‌دانند اما این را بیان نکرده که این سه نسخه در کدام کتابخانهٔ مدینهٔ منوره موجود است و همچنین هیچگونه شرح و توضیحی دربارهٔ آنها ننوشته است. از مقدمهٔ این مقاله معلوم گردیده که مقاله‌نویس پیش از این نسخه‌های خطی آثار میرزا عبدالقادر بیدل (۱۰۵۴-۱۱۳۳ ه. ق.) را در کتابخانه‌های قدیم و شخصی مدینهٔ منوره نیز بررسی کرده بود.

پیش از این که به معرفی مخزن شیخ عارف حکمت پردازیم، ذکر یک دو مورد متفرقه که در کتابخانه ملک عبدالعزيز بچشم خورد خالی از مترجم دلچسبی آورده بود نخواهد بود:

الف. کتابدار مخزن عمومی نسخه‌های خطی در طبقه پایین می‌نشست. هرگاه من شماره راهنمای یکی از نسخه‌ها را به او می‌دادم، او نسخه را از مخزن نسخه‌های خطی بر سرش گذاشته می‌آورد که ظاهراً برای احترام کتاب بود.

ب. در جلوی در ورودی کتابخانه شیخ عارف حکمت روی زمین یک شی بزرگ زنگوله‌نما از جنس برنج دیدم که روی لبه‌های آن این بیت فارسی کنده شده است:

غنی [کذا] حضرت لولاک حضرت لولاک «مقام جنت فردوس» تاریخ واژه نخست در مصراع اول که از روی حدس آن را «غنی» خوانده‌ام، چیزی شبیه این «عبی» کنده شده است. در مصراع دوم از مادهٔ تاریخ، «مقام جنت فردوس» ۹۸۳ بدست می‌آید. با همین جسامت و شبیه با این، دو شیئی دیگر در طبقه پائین نیز در کنار پله‌ها گذاشته بودند و در آنها شمع‌های قطور نیز قرار گرفته بود و از آن حدس زدیم که اینها شمعدان‌های تاریخی قدیمی هستند که برای زینت در اینجا گذاشته‌اند.

ج. در اینجا دو پارچهٔ بزرگ سبز رنگ منقوش را - که قاب شده بود - دیدم که روی دیوار آویزان بود. شاید اینها غلاف‌های قدیمی روضهٔ رسول باشد.

د. در کتابخانه، سالتی که برای مصاحف شریف مختص بوده، در آن وصلی‌هایی نیز به قلم جلی و مشتمل بر آیات قرآنی دیدم که می‌تواند همین وصلی‌ها را برای نقش کردن آیات روی سقف و دیوارهای مسجدالنبی مورد استفاده قرار داده باشند.

## کتابخانه شیخ عارف حکمت

مهمترین گنجینه کتابخانه ملک عبدالعزیز مجموعه وقفی شیخ عارف حکمت است. این مجموعه در اتاقی وسیع نگه‌داری می‌شود. وقتی در کتابخانه ملک عبدالعزیز از طبقه همکف به بالا می‌روید این مجموعه در طبقه دوم سمت چپ قرار دارد. کتابخانه شیخ عارف حکمت در سال ۱۲۷۰ ه. ق. تأسیس شد. بنیان‌گذار آن، احمد عارف حکمت بن ابراهیم بن عصمت بن اسماعیل رائف پاشا حسینی اهل عثمانی بود. در ۱۲۰۱ ه. ق. متولد شد. مقام قضای قدس شریف، مصر و مدینه را به عهده داشت. در ۱۲۶۲ ه. ق. در محل آستانه، «شیخ الاسلام» آن دیار تعیین شد و تا سال ۱۲۷۰ ه. ق. در همین مقام مشغول کار بود. وی در همانجا در ۱۲۷۵ ه. ق. / ۱۸۵۸ م وفات یافت. از تألیفات او الاحکام المرعیه فی الاراضی الامیریة (عربی)، تکملة کشف الظنون و دیوان اشعار عربی و فارسی و ترکی (چاپ شده) باقی است. شرح حال او را می‌توان در هدیه العارفین<sup>۴</sup> اسماعیل پاشا بغدادی و الاعلام<sup>۵</sup> زرکلی ملاحظه کرد. زرکلی به کتاب شهی النعم فی ترجمه عارف الحکم (خطی) تألیف شهاب محمود الوسی در شرح حال او اشاره کرده است. در عنوان کتاب مذکور، اسم شیخ را «عارف حکم» نوشته‌اند در حالی که خود او نامش را با تالی مبسوطه «عارف حکمت» می‌نوشت. زرکلی می‌گوید که او در مهر ثبت شده بر کتابهای وقفی شیخ، در مدینه منوره، نام او را «احمد عارف حکمة الله» دیده است. خوشبختانه نگارنده در سفرنامه سیرالبلاد خادم، تألیف سید امام بخش خادم عظیم آبادی در گنجینه عارف حکمت - که ذکر نسخه آن بعداً خواهد آمد - شرح حال خودنوشت عارف حکمت را پیدا کرده‌ام. شیخ عارف حکمت این شرح را در ۱۲۳۴ ه. ق. در هنگام سفر حج او نوشته به خادم عظیم آبادی داد و او در کتاب خود ضبط نمود. قابل توجه است که در آن زمان سن شیخ عارف حکمت سی و سه سال بود و او برای مقام علمی‌اش شهرت پیدا کرده بود. عبارت سیرالبلاد خادم از این قرار است:

در سفر هذا بعد حصول نمودن سعادت حج بوسیله کتابفروشی از خلاصه خاندان مصطفی... ملاقات گردید... عرض نمودم که از اسم مبارک و تخلص عالی سرفراز فرمایند. از اینجا عبارت آنجناب است:

السید احمد عارف المتخلص بالحکمت در بلدة اسلامبول در شب بیست و هفتم محرّم الحرام ۱۲۰۱ یک هزار و دو صد و یک هجری تولد یافتم و نام پدرم السید ابراهیم عصمت است. در اسلامبول رئیس العلماء شد و نقیب



السادات و بسیار عالم کلان بود و دوبار قاضی عسکر ملی شد. از سه زبان مرگب دیوان دارد و جدّم السید رائف اسمعیل پاشاست. از فارسی و ترکی مرگب دیوان دارد و یک رساله استغفاریه دارم. معید النعم و معید النقم و مجموعه التراجم یک کتاب جمع کردم، ملاقات افتادگی همه عالم و شاعر را در ره‌زوی به زبان عربی ترجمه کردم.<sup>۶</sup>

بعد ازین خادم عظیم آبادی نمونه اشعار فارسی شیخ عارف حکمت را آورده است از آن جمله است این رباعی:

اندیشه بقید وهم یکسر این جا      جهل عرفا ز علم بهتر این جا  
عرفان مشناس قیل و قال وهمی      معنی دگر است و فهم دیگر این جا<sup>۷</sup>

ملاحظه می‌فرمایید که دو‌یست سال پیش، زبان ارتباط در جهان اسلام، فارسی بود. یک مسافر هندی از عظیم آباد که زبان مادری اش اردوست، با یک عالم ترک که زبان مادری اش ترکی است ملاقات می‌کند و مابین این دو مسلمان به وسیله زبان فارسی تبادل آراء انجام می‌گیرد. نه تنها خود شیخ عارف حکمت فارسی‌دان بود بلکه آباء و اجداد ترک‌زبان او نیز شاعران فارسی‌سرا بودند. این بود وحدت زبانی جهان اسلام در دو‌یست سال پیش. امروزه برگشت روزگار را ببینید که در عربستان وقتی حاجیان و عمره‌گزاران با یکدیگر ملاقات می‌کنند برای همدیگر لال‌اند و اگر در آنجا بخواهید که با زائری ترک گفتگو کنید قضیه «زبان یار من ترکی و من ترکی نمی‌دانم» پیش می‌آید! من فرصتی پیدا کردم که فقط چند نسخه خطی منتخب کتابخانه عارف حکمت را ببینم. از قبل هرگز چنین تصمیمی گرفته نشده بود که من کدام یک از نسخه‌های خطی این گنجینه را خواهم دید اما با دیدن همین چند نسخه این امر روشن شد که شیخ عارف حکمت شخصی بسیار دانش‌پرور و مسافرنواز بود. اهالی علم و دانش و جهانگردان و زائرینی که از کشورهای دوردست به استانبول یا مکه مکرمه و یا مدینه منوره می‌آمدند، شیخ از آنها دلجوئی می‌کرد، تسهیلات اقامت و خورد و خوراک را فراهم می‌نمود و از آنها تقاضا می‌کرد که کتاب تألیف کنند. من یقین دارم که اگر تمام نسخه‌های خطی گنجینه عارف حکمت با دقت و به طور کامل بررسی شود، نسخه‌های خطی بیشتری یافت خواهد شد که به فرمایش شیخ تألیف یا کتابت شده است. بدین طریق شواهد بیشتری درباره دانش‌پروری شیخ عارف حکمت بدست خواهد آمد.

آقای ماجد العوفی، کتابدار گنجینه عارف حکمت گفت که در کتابخانه عارف

حکمت حدوداً هشت هزار نسخه خطی موجود است. اتاق وسیعی که برای این کتابخانه اختصاص دارد، مشتمل است بر یک اتاق مطالعه و یک بالکن. در بالکن تمام نسخه‌های خطی را نگاه‌داری می‌کند و در ورودی آن همیشه قفل است و تنها کتابدار می‌تواند آن را باز کرده بالا رود. در اتاق وسیع مطالعه، کتابهای چاپی و فهرست‌های کتابخانه عارف حکمت و غیر آن گذاشته شده‌اند. فهرست‌ها به صورت دفترها و کارت‌ها می‌باشد. یک پوشه مشتمل بر بریده‌های مطبوعات است که درباره نسخه‌های خطی به خط مؤلفان نوشته شده است. مقالاتی را که پژوهشگران عرب درباره نسخه‌هایی به خط مؤلف به چاپ رسانیده‌اند، کارمندان کتابخانه آنها را در پوشه‌ای جمع آوری کرده‌اند.

آشنایی من با کتابخانه عارف حکمت از چند سال پیش به وسیله فهارسی بوده که نسخه‌شناسان ایرانی به چاپ رسانیده‌اند. مثلاً فهرستی که مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه در نسخه‌های خطی (زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، چاپ دانشگاه تهران، ۱۹۶۷ م [۱۳۴۶ ه. ش.])، دفتر پنجم، چاپ کرده است یا کتابچه‌ای که آقای قوچانی به نام نسخه‌های فارسی در مدینه در مطبع حیدری [تهران]، ۱۹۶۷ م چاپ کرده بود. قبلاً این کتابخانه جدا و مستقل بود اما زمانی که در مدینه منوره کتابخانه ملک عبدالعزیز تاسیس شد، کتابخانه عارف حکمت را بدانجا انتقال دادند.

نسخه‌های خطی را که در کتابخانه عارف حکمت دیده‌ام، معرفی کوتاه آن‌ها را به ترتیب الفبایی نام کتابها در اینجا آورده‌ام. درباره برخی از نسخه‌ها یادداشت‌های مفصل تهیه کرده‌ام یا از آنها عکس گرفته‌ام که در فرصتی دیگر درباره آنها مقاله‌های گسترده‌تر خواهم نوشت. مشخصات نسخه‌هایی که از دفتر ثبت گرفته‌ام و خود نسخه‌ها را نتوانستم ببینم، در این گفتار با نشان ستاره \* مشخص شده است و در مورد صحت و درستی این‌گونه مشخصات نمی‌توان اظهار نظر کرد. نسخه‌هایی را که در این کتابخانه دیده‌ام، بدون استثنا همه به خط خوب بود، جنس کاغذ و وضعیت نگهداری آنها نیز مطلوب بود. اثری از موربانه‌زدگی، ناقص بودن نسخه یا پارگی و بریدگی برگها دیده نمی‌شد.

هر نسخه جلدی محکم با روکش کاغذی داشت. واقعاً با دیدن وضعیت ظاهری، زیبایی، خوش خطی، پاکیزگی و تدارکات حفظ نسخه‌ها، انبساط و انشراح در طبع پدید آمد و اینها گواهی بر ذوق و سلیقه عالی و عشق شیخ عارف حکمت به کتابهاست. روی برگ اول همه نسخه خطی (که در اصطلاح نسخه‌شناسی آن «ظهریه» می‌نامند) و

در خاتمه نسخه‌ها مُهرِ واقف با عبارت کنده داشت:

وما وقفه العبد الفقير الى ربه احمد عارف حكمة بن عصمة الله الحسيني في  
مدينة الرسول الكريم عليه و على آله الصلاة و التسليم  
بشرط ان لا يخرج عن خزانته. و المؤمن محمول على امانته ١٢٦٦ هـ  
در برگهای داخلی مُهرِ کوچکِ گرد با عبارتِ مختصر داشت:  
وقف حكمة الله بن عصمة الله الحسيني ١٢٦٧

\*\*\*

فهرست نسخه‌های خطی (به ترتیب الفبایی)

احوال ناصرالدین عمر بن دانیال، تألیف مرشد بن امام الشیرازی العمری (برگ ۳۲  
ب). نام کامل پدر مؤلف امام‌الدین محمد است که فرزند و جانشین صاحب ترجمه  
ناصرالدین عمر (۷۱۳-۸۲۶ هـ ق.) بن نجم‌الدین دانیال بود. تاریخ تألیف ندارد، اما  
مؤلف از مولانا عبدالرحمن جامی (۸۹۸ هـ) با عبارت «علیه الرحمه و الرضوان» ذکر  
کرده است (۳۲ ب)، از این رو گمان می‌رود که تألیف کتاب بعد از سال ۸۹۸ هـ بوده  
است. آغاز:

احمدالله تعالی الآیه المتوالیه و اشکره علی نعمائه... اما بعد این چند سطر  
است از شطری از واردات احوال جد بزرگوارم.

مؤلف کتاب را به نظام‌الدین احمد پاشا معنون کرده است. به خط مؤلف، ترقیمه:  
ختمت الکتاب و الله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب حرره محرره  
مرشد بن امام العمری الشیرازی عفی عنهما؛

عبارت‌های عربی به خط نسخ و عبارت‌های فارسی به خط نستعلیق، ۴۲ برگ،  
شماره: ۹۰۲/۶۸

نسخه مدینه با معدن‌الدرر فی سیره‌الشیخ حاجی عمر تألیف شمس‌الدین محمد  
(چاپ تهران، ۱۳۸۳) چند اختلاف اساسی دارد:

اولاً در نسخه مدینه نام مؤلف مرشد بن امام عمری شیرازی درج است و او  
ناصرالدین عمر را جد خویش می‌نویسد. در حالی که مؤلف معدن‌الدرر، برادرزاده  
ناصرالدین عمر است. ثانیاً: در دیباچه نسخه مدینه نام نظام‌الوزاره و الحکومه و الدنیا و  
الدین احمد پاشا با القاب بلند آمده و کتاب به او تقدیم شده است؛ در حالی که در  
معدن‌الدرر چنین عبارتِ اتحاف اصلاً وجود ندارد. البته ذکر سبب از امیری به نام

کمال‌الدین عبدالرحیم ایناق آمده است که در احوال ناصرالدین عمر رساله‌ای نوشته بود.

ثالثاً: در نسخهٔ مدینه محل تولد ناصرالدین عمر، شست تایکان را در حومهٔ همدان ذکر کرده‌اند در حالی که در معدن‌الدرر آن را در لرستان ذکر کرده‌اند.

نسخهٔ مدینه نوعی تلخیصی از معدن‌الدرر به نظر می‌رسد. هرچه در آن نقل شده کلمه به کلمه در معدن‌الدرر موجود است. معدن‌الدرر در سال ۸۶۹ هـ تألیف شده بود اما رسالهٔ مورد زیر نظر بعد از ۸۹۸ هـ تألیف / تلخیص شده است.

اخبار‌الاخیار، تألیف شیخ عبدالحق محدّث دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲ هـ)، کاتب: میرزا نورالله بخاری، تاریخ کتابت: ۱۲۶۵ هـ، نسخهٔ نفیس و مطلقاً، ۶۵۶ صفحه، شماره:؟ (از قلم افتاده)<sup>۸</sup>

بادشاه‌نامه، تألیف عبدالحمید لاهوری، آغاز: «نگارین کلامی که گزارش آن»؛ نسخه ترقیمه ندارد، احتمالاً قرن ۱۲ هـ، نسخه با ذکر ابوطالب کلیم همدانی به پایان می‌رسد. آخرین جمله چنین است: «برمفارق جهانیان مبسوط و محدود باد، اضعف خلق الله»؛ نستعلیق خوش، جدول طلایی، دو صفحه اول نقش و نگار طلایی، سرلوح عادی، ۷۲۸ صفحه، شماره: ۹۰۲/۴.

بساتین‌الانس، تألیف تاج‌الدین محمد بن صدرالدین احمد بن علاء‌الدین بن حسن دبیر عبدوسی، معروف به ملک اخستان دهلوی، تاریخ کتابت: ۱۸ محرم الحرام ۸۷۴ هـ، ترقیمه:

وقوع الاختتام ضحوة الكبرى من يوم الجمعة الثامن عشر من شهر الحرام بسنة اربع و سبعين و ثمان مائة الحمد لله اولاً و آخراً و صلى الله على النبي و آله و الطاهرين؛

نستعلیق ریز به سیاق ترکی، ۱۵۶ برگ، در ظهريه مهرهای مالکان قدیمی و یادداشت‌هایی به زبان عربی دارد و از آن جمله است:

۱. رستم بن احمد بن محمود الشروانی

۲. اسمعیل بن محمد المدعوبه کوچک چلبی

۳. محمد حمید و مهراو «محمد حمید باد تمنایی»

شماره: ۹۰۲/۹

بساتین‌الانس، نسخهٔ دوم: تاریخ کتابت ندارد، ترقیمه:

تمت الكتابات المسماة ببساتين الانس من كلام ملك الاعظم ملك  
الاخستان الهندي الدهلوی نورالله مرقده.

نستعلیق ریز، حاشیة طلائی، سرلوح، نسخه‌ای نفیس، ۱۶۰ برگ، شماره: ۹۰۲/۸  
تاریخ غزنویان، تألیف شیخ بلیغ افندی (طبق دفتر ثبت)، تاریخ تألیف: نامعلوم، این  
کتاب در تاریخ پادشاهان غزنوی است. پس از حمد و نعت نخستین عنوان از این قرار  
است:

ذکر انهزام جتوان و کشتن او در جنگ، و چون ماه معظم رمضان سنه ثمانین  
و خمس مائة که موسم رحمت و موعد مغفرت است، استقبال نمود.

بعد از آن عنوان‌های متعدد است؛ از جمله: عزیمت پادشاهی به صوب هانسی جهت  
عمارت حصار، قدوم سلطانی به خطه کهرام، استخلاص میرث [میرت] و دهلی، ذکر  
عصیان هراج برادر رای اجمیر، نهضت مبارک به صوب حضرت غزنه حرس الله من  
الآفات؛ آخرین عنوان عبارت است از: فضل در محاسن این کتاب، مؤلف در این فصل  
نوشته است:

و این تاریخ روضه نواظر شعراء و بلغاء و نزهت جای بصائر فضلاء و  
فصحاءست (برگ ۳۴۲ الف).

شاید به همین دلیل در دفتر ثبت نام کتاب را روضه النواظر فی ملوک الهند نوشته‌اند.  
اما اینها فقط کلماتی توصیفی است، چنانکه در قسمت دوم کلمات «نزهت جای» آمده  
است. این کتاب نمونه انشانویسی فارسی بسیار مشکل و مملو از ابیات عربی و فارسی  
است، آغاز:

حمد و سپاس بی قیاس که قدم شهسوار عقل دو اسپه به سر حد عد و  
احصاء آن نرسد

تاریخ کتابت: ۱۰ جمادی الاول ۸۷۷ هـ؛ ترقیمه:

تم هذا بعون الله تعالى و حسن توفيقه و الصلوة و السلام على خير خلقه  
محمد و آله اجمعين في عاشر شهر جمادی الاول سنة سبع و سبعين و ثمان مائة  
الهلالیه

تمام نسخه حاشیة طلائی دارد، خط عالی، مایل به نسخ، نسخه‌ای منسجم، ۶۸۸  
صفحه، شماره: ۹۰۲/۷۱

تحفة القادریه، تألیف شاه ابوالمعالی لاهوری، نسخه‌ای نفیس و مطلقاً، ۳۸ صفحه،  
شماره: ۲۶۱/۳۶

حسانات الحرمین، مترجم فارسی: مُلّا محمد شاکر سرهندی،<sup>۹</sup> اهمیت نسخه در آن است که شیخ احمد عارف حکمت آن را کتابت کرده است و در ظهریه آن، رباعی فارسی او به خط خود او موجود است. ترقیمه:

این کتاب مشکین نقاب در اواخر سنه هزار و دو صد و چهل و سه در بلده دلارای اسلامبول - حمیت عن کل هول مهول - بقلم شکسته رقم عبدفقیر و حقیر، پریشان ضمیر احمد عارف متعارف بحکمة الله بن عصمت الله الحسینی الاسلامبولی با عون خداوند مجید بسرحد انجام رسید...

پس از ترقیمه چهار قطعه فارسی تاریخ وفات چهار فرزند حضرت مجدد الف ثانی آمده است. نام سراینده قطعات را وزیر احمد سهرندی نوشته‌اند. سپس نام هر هفت فرزند حضرت مجدد الف ثانی، با تاریخ تولّد و وفات آنها به صورت شجره آمده است. در ظهریه این یادداشت آمده است:

#### لمحرّره حکمت الحسینی

یا ربّ بحق مهرجهان تاب اصطفای  
کزنور وجه او شده کشف همه دجا  
بیچارگانِ اُمّت حضرت نگاه دار  
از هر بلای صبح وز هر طارق مسا

نستعلیق خوش، ۴۵ برگ، شماره: ۹۰۲/۹۶

حضرات القدس، دفتر ثانی، تألیف بدرالدین سرهندی، آغاز: «حضرات القدس محامد مقدّسه و نجات القدس مکارم منزّه»؛

در مقدمه کتاب این توضیح وجود دارد که دفتر اول کتاب مشتمل بود بر تراجمی از حضرت ابوبکر صدیق تا خواجه باقی بالله و اینک دفتر دوم در شرح حال حضرت مجدد و فرزندان اوست. در ظهریه نیز یادداشتی با این مفهوم وجود دارد:

دفتر ثانی از کتاب حضرات القدس در مناقب امام ربّانی و اولاد گرامی ایشان قدس الله اسرار هم.

تاریخ کتابت ندارد، احتمالاً قرن دوازدهم هجری، نستعلیق روشن به سبک هندی / افغانی، ۷۵۲ صفحه، شماره: ۲۶۱/۱۵

دریای روح و یمّم نوح، تألیف علیم الله بن عبدالرشید عباسی حنفی نقشبندی لاهوری، متخلص به علیم. طبق اطلاعاتی که مؤلف درباره خود به دست داده است وی مرید صوفی جمیل بیگ بود، او مرید حافظ عبدالغفور بیساوری (م ۱۱۱۶ هـ)، او مرید شیخ سعدی لاهوری (م ۱۱۰۸ هـ)، او مرید شیخ آدم بنوری (م ۱۰۵۳ هـ)، او مرید

حضرت مجدد الف ثانی مؤلف در شاعری شاگرد شاه فقیرالله متخلص به آفرین لاهوری و در علوم عقلی و نقلی شاگرد شیخ محمد افضل قادری - که در یورش نادرشاه در لاهور شهید شد - بود. مؤلف به سیر و سیاحت علاقه داشت. او همراه با شیخ محمد فاضل برای زیارت خانقاه شیخ فریدالدین گنج شکر [به پاک پتن] رفت. به سفر حرمین شریفین و روم هم رفت. بالاخره در دمشق اقامت گزید و این رساله را در همانجا نوشت (۶ب).

مؤلف می‌گوید که فریدون در تذکرة الشعراء، در ضمن احوال آفرین لاهوری، ذکر وی (یعنی علیم‌الله) را به عنوان شاگرد آفرین آورده است (۲ب). نگارنده این سطور در هیچ جا تذکرة الشعراء از مؤلفی به نام فریدون پیدا نکرده است. مفصل‌ترین شرح حال علیم‌الله عباسی را سید محمد خلیل مرادی (۱۱۷۳-۱۲۰۶ ه.ق) در سلك الدرر فی اعیان القرن الثانی عشر<sup>۱</sup> با عبارت «شیخاً عالماً محققاً مدققاً فاضلاً عارفاً صوفیاً» آورده است و علامه عبدالحی بن فخرالدین حسنی بریلوی، شرح حالش را همانجا نقل کرده است. طبق آن: او در علوم و تحقیق ید طولی داشت. سخنان و معانی بیان کرده او، مشتمل بر معارف الهیه بود. او به خاطر حسن اخلاق، تواضع و خنده‌رویی، هر خاص و عام را شیفته خود ساخته بود. مردی متقی، صالح، فلاح یافته و گامزن در مسلک سادات بود. در هند از اجل مشایخ و استادان کسب علم نموده بود. صرف و نحو و منطق را پیش شیخ نصرالحق قادری خواند؛ تا هفت سال پیش شیخ ابوالفتح محمد فاضل قادری درس خواند و حصول علوم و برکات نمود. کتابهای معروف در منطق و فلسفه، شمسیه قطب رازی، حاشیه سید شریف جرجانی، حاشیه ملا عبدالحکیم سیالکوتی، شرح تهذیب جلال‌الدین دوانی مع حاشیه سید زاهد هروی را نزد شیخ محمد افضل شاه پوری منطقی خواند. مثنوی را پیش شیخ عبدالکریم اویسی می‌خواند. او در هند غیر از این نیز استادانی دارد. وقتی برای حج و زیارت مدینه آمد در آنجا از شیخ محمد حیات سندی، حدیث و اصول حدیث را استماع کرد. سپس به دمشق رفت و از آنجا به قسطنطنیه [استانبول] رفت و دوباره از آنجا به دمشق مراجعت کرده در محله قماحین [بازار گندم‌فروشان]، در نزدیکی باب سریجه در تکیه‌ای سکونت اختیار کرد.

اهالی دمشق به او ارادت فراوان داشتند و برای او احترام قایل بودند و به مجلس او آمده فیض یاب می‌شدند. آنچه در مجلس او بیان می‌شد مشحون از آداب و فضایل بود. نه تنها ارباب معارف و اهل حاجات بلکه کاملان نیز از لطایف و نکات او استفاده

می‌کردند. در حضور او ابیات را با آلات موسیقی می‌خواندند. وقتی دربارهٔ حکم سماع مزامیر از او پرسیدند، گفت: این سماع چیز تازه‌ای در قلب ایجاد نمی‌کند بلکه همان چیزی را که از قبل در قلب است به تحرّک در می‌آورد. او در خانه‌ای که زندگی می‌کرد، همانجا به درس و تدریس می‌پرداخت. بعداً او را مدیر همان مدرسه (قمیریه) ساختند. او سالی یک بار برای چهل روز / چله با جماعتی کثیر در جبل قاسیون در صالحیه به محلّ «أربعین» می‌رفت. در این زمان [یعنی زمان تألیف کتاب] از او نوه‌های پسری و مردان زیاد باقی مانده‌اند. شمار کسانی که از او فیض یاب شدند، امکان ندارد. او از جمله صوفیان محقق و انسانی بسیار نیکو بود. در ۱۱۷۶ هـ در دمشق وفات یافت و او را در همان تکیه‌ای که در آنجا زندگی می‌کرد، به خاک سپردند.<sup>۱۱</sup> اسماعیل پاشا بغدادی در هدیه العارفین سال وفات او را حدود ۱۱۶۸ هـ ق نوشته است.<sup>۱۲</sup>

تعدادی دیگر از تألیفات او از این قرار است:

۱- الفوائد الافضلیه،<sup>۱۳</sup> شاید این رساله شامل استفاده‌هایی است که از استادش شیخ محمد افضل قادری برده بود؛ چنان که می‌توان از نامش پی بُرد.

۲- الفتوحات الانسیه فی تحقیق رموز الصوفیه (عربی) نسخه خطّی کتابت شده در ۱۱۶۲ هـ. ق، ۱۴۶ برگ، کتابخانه سلیمانیه، استانبول، گنجینه قلیچ علی پاشا، شماره: ۶۱۷.

۳- رساله الهندیه فی طریقه النقشبندیه (عربی)، خطّی، برگ ۱۳۵-۱۵۴، شماره: ۴۹۵۸، دارالکتب الظاهریه [نام جدید: مکتبه الاسد]، دمشق؛<sup>۱۴</sup> در دارالکتب الظاهریه نسخه خطّی دو برگی به نام شجرة الخلافة النقشبندیه از محمد بن الحاج محمد العطر، به شماره ۹۶۶۵ نیز موجود است<sup>۱۵</sup> که در آن مؤلف می‌گوید که او از علیم‌الله لاهوری اجازه گرفته بود و علیم‌الله (برای ذکر و تلقین) از صوفی جمیل بیگ اجازه یافته بود.

رساله دریای روح و تیمّم نوح شرح عرفانی بیت معروف منسوب به امیر خسروست: ز دریای شهادت چون نهنگ «لا» برآرد سر تیمّم فرض گردد نوح را در عین طوفانش دیاچه‌ای که مؤلف برای این رساله نوشته، حکم رساله‌ای جداگانه را دارد. در آن از سیر و سیاحت‌های مؤلف و ملاقاتهایش با بزرگان، مجالس شعر و ادب در لاهور و رجال معاصر یاد شده است. در دومین قسمت رساله یعنی در ضمن شرح بیت امیر خسرو نیز از چندین رجال معاصر سخن رفته است که مطالب رساله را سودمندتر کرده است. از رجال شبه قاره: فقیرالله آفرین لاهوری (شاعر)، شیخ محمد افضل قادری



شهید لاهور (عالم دین)، حکیم خان حاکم لاهوری (شاعر)، امیر عبدالهادی، امیر صمصام الدوله، امیر عبدالرحمان خان بن شادمان خان، شیخ محمد افضل سهرندی، مولانا برهان الدین خان، محمد هاشم، از رجال دمشق: امیر عبدالله پاشا سپهسالار روم و شام، مولانا و زیرآصف جاه، امیر نصرالله، شیخ محمد مراد المعروف به کسج [این لقب هنوز نیاز به تحقیق دارد، در نسخه به همین صورت کتابت شده است، شاید کوسج / کسج یعنی کوسه، کسی که ریش در نمی آورد]. مؤلف درباره او نوشته است که او خلیفه محمد معصوم سهرندی بود و بیت زیر را که ناصر علی سهرندی در مدح خواجه محمد معصوم گفته است:

چراغ هفت کشور خواجه معصوم      رسیده صیت او از هند تا روم  
 رساندن شهرت خواجه تا روم،      مدیون شیخ محمد مراد است. چنان که می گوید:

عارف فاضل و مرشد کامل شیخ محمد مراد المعروف بکسج؛ با وجود عدم مساعدت قدم بر سر مریدان و خدم کرد، عالم گردیده و در اصفهان صائبا اصفهانی را دیده و بارها به حج رسیده، آخر الامر در دمشق الشام - منازل انبیاء کرام - رخت اقامت انداخته و مرتین در دارالسلطنه اسلامبول خلق را به این طریق احمدیه نقشبندیه رهنمای کرده و سلاطین و امرای دولت از صحبت با برکت ایشان استفاده قربت نموده اند و با سعادت و مساعدت فرزندان و وابستگان ایشان تقرب جسته. چون روح قدسی آشیان داعی حق را اجابت کرده، در مدرسه شیخ الاسلام دامادزاده در قریب مزار متبرک ابویوب انصاری رضی الله عنه مدفون و مخزون شد. الحمدلله امروز جمال شام و مرجع انام مولانا علی افندی بن شیخ محمد افندی بن شیخ محمد مراد خلف صدق این شجره ثمره و ذریه طیبه ایشان موجوداند... القصة بسبب اقامت این بزرگوار شیخ مراد نقشبندی در ولایت روم و شام طریقه علیه رواج یافته و ذکر میان محمد معصوم خاصه شهرت پذیرفته و قول شاعر مغلط ناصر علی چون فال دیوان حافظ راست و مطابق برآمده (برگ ۲۹ الف / ب).

احوال شیخ محمد مراد در منابع دیگر نیز موجود است، او در ۱۰۵۰ هـ / ۱۶۴۰ م در سمرقند متولد شد. بعد به هند رفت و مرید خواجه محمد معصوم شد. در دمشق ازدواج کرد. در ۱۰۹۲ هـ. ق / ۱۶۸۱ م به استانبول رفت و در همانجا در روز ۱۲ ربیع الثانی ۱۱۳۲ هـ. ق / ۱۷۲۰ م درگذشت. فرزند او محمد بهاء الدین مرادی (۱۰۹۴-۱۱۶۹ هـ. ق) در دمشق خلیفه پدرش بود و در همانجا وفات یافت. فرزند او علی مرادی

(۱۱۳۲-۱۱۸۴ ه.ق.) نیز در دمشق وفات یافت. محمد خلیل مرادی (۱۱۷۳-۱۲۰۶ ه) فرزند علی مرادی مؤلف کتاب معروف در علم رجال سلک الدرر فی اعیان القرن الثانی العشر است و در آن اطلاعات بسیار سودمند و دقیق درباره خانواده خود ارائه داده است.<sup>۱۶</sup>

علیم‌الله عباسی نقشبندی مؤلفی نرم‌خوی است و به رغم عموم حضرات مجددیه، برای شاهزاده داراشکوه گوشه نر می در قلب دارد و او را «جامع علو قدر و جاه و نائل گوهر یگانه معرفت اله» نوشته است (۱۳ ب). او بر خلاف نقشبندیان به سماع مزامیر هم می پرداخت. آغاز دیباچه:

سیاس بی قیاس مرحضرت پروردگار را که بحکم «کنت کنزاً مخفياً»؛ آغاز شرح: الحمد لله العلی العظیم و الجواد الکریم البر الرؤف الرحیم... اما بعد این رساله ایست در حل این بیت معروف:

ز دریای شهادت چون نهنگ «لا» برآرد سر

تیمم فرض گردد نوح را در عین طوفانش  
تاریخ کتابت و مقابله: «تمت المقابله علی قدر وسع ۱۲۳۸ ه»، ۳۰ برگ، شماره: ۸۱۲/۲۲

دیوان امیر همایون، آغاز:

بی تو جایی که شود خاک دل چاک آنجا

تا ابد لاله برآید ز دل خاک آنجا

ترقیمه: «تمت الادیوان امیر همایون علی ید اضعف الکتاتین عبدالواحد حسین کاتب المشهدی غفرالله ذنوبها و ستر عیوبها»؛ نستعلیق خفی، قطع جیبی، مطلقاً، ۳۶ برگ، شماره: ۸۱۲/۴۹

دیوان کلیم کاشانی، دیوان قصاید، غزلیات و رباعیات است.  
آغاز قصاید:

شوق هرکس را که در راه طلب سر می دهد  
گر درآرد اول از پا آخرش پر می دهد  
آغاز غزلیات:

به دل کردم به مستی عاقبت زهد و ریایی را  
رسانیدم به آب از یمن می بینا و تقوی را  
ترقیمه: «کتبه العبد محمدرضا غفرله فی شهر ۱۰۷۶»، نستعلیق زیبا، نسخه‌ای

بسیار نفیس، سر لوح طلایی زیبا. تمام نسخه دارای جدول‌های طلایی و لاجوردی، در برخی جاها کاتب متن در حاشیه اختلافات را هم داده است مثلاً:

برای رونمای این گلستان میان شبنم و گل فرق نتوان

بدل مصراع دوم را چنین نوشته است: خیال یار را از دیده بستان.

در ظهریه، این یادداشت را دارد: «هو استصحبه بحقیر محمد صادق الشهیر بوالده

کتخدایی زاده غفرله سنه ۲۶»؛ ۷۰۰ صفحه، شماره: ۸۱۲/۴۶

دیوان کلیم کاشانی مع دیوان طالب آملی و مثنوی سام و بهرام و مثنوی محمود و ایاز،

محتویات نسخه بدین ترتیب است:

۱. دیوان غزلیات کلیم، دیوان کامل، آغاز:

به دل کردم به مستی عاقبت زهد و ریایی را رسانیدم به آب از یمن می بینا و تقوی را

۲. مثنوی سام و بهرام، سروده عبدالرزاق لاهیجی. آغاز:

خداوند دل ده آشنا روی که تا بد جز تو از هر آشنا روی

این دو کتاب علاوه بر متن در حاشیه نیز نقل شده است:

۳. دیوان طالب آملی. آغاز:

افسانه شبح است لب خون چکان ما صدره گزیده حرف چکد از زبان ما

دیوان طالب آملی، در حاشیه دیوان کلیم نقل شده است، ترقیمه: «تمت الکتاب بعون

ملک الوهاب ۱۰۷۵».

۴. مثنوی محمود و ایاز، سروده زلالی خوانساری، این مثنوی در حاشیه سام و بهرام

آمده است.

دو صفحه اول منقوش، سرلوح، نستعلیق خوش، ۶۱۲ صفحه، شماره: ۸۱۲/۴۵.

ذکر مشایخ متأخرین سلسله نقشبندیه مجددیه،<sup>۱۷</sup> در رساله نام مؤلف پیدا نشد. اما

در دفتر ثبت، نام او خلیل سهرندی نوشته است. کتابی دیگر از این مؤلف به نام

سیاحت نامه رانیز در این کتابخانه دیدم که ذکر آن در جای خود خواهد آمد. در آنجا نام

کامل او محمد خلیل بن محمد غفران الله احمدی فاروقی سهرندی پیشاوری درج شده

است. مؤلف در زمان تألیف این رساله در استانبول بود. در سبب تألیف می نویسد:

مخلصی از منتسبان این طریقه علیه از این فقیر هیچ مدان، استدعا نموده

که ذکر بعضی از مشایخ متأخرین این سلسله علیه نقشبندیه و مجددیه - که بعد

از زمان صاحب رشحات به ظهور آمده‌اند - مولد و مدفن و سال تاریخ آنها به

طریق اجمال ضبط کرده شود، به غایت یک اثر کلی ترتیب می‌شد. اگرچه بعضی کتب‌ها [کذا] شامل ذکر آنها هستند مثل نسبات خواجه هاشم کشمی و برکات احمدیه از خواجه مذکور و حضرات القدس از مولا بدرالدین سرهندی و روضة القیوم [کذا: روضة القیومیه] از محمد احسان و مقامات شیخ مراد کشمیری و تحفة المعصوم میرغیاث الدین بدخشی و غیره رسایل از متاخرین، اما در بلدة مکرمه استنبول - صانها الله عن الهول المهول - از آن کتب‌ها [کذا] نرسیده و فیات بعضی بزرگان به یقین معلوم نشده، بنابراین فقیر حقیر از کتاب نسبات و غیره، چیزی که بخاطر مانده بود با وجود قصور علم و قلت حافظه سطری چند به قید کتابت می‌آرد و تاریخ بعضی که بخاطر نیست، یا نسیان واقع شده، بیاض می‌گذارد یا تخمیناً می‌نویسد.

این رساله اصولاً تذکره ایست مختصر. احوال بزرگانی که در آن درج شده، نام‌شان [بدون القاب] عبارت‌اند از: بهاء الدین نقشبند، یعقوب چرخ، عبیدالله احرار، زاهد و خشواری، درویش محمد، خواجگی احمد کاسانی، خواجگی املنکی، خواجه محمد قاسم بن خواجگی احمد کاسانی، محمد باقی بالله، شیخ تاج الدین، احمد سرهندی، محمد صادق بن احمد سرهندی، محمد سعید بن احمد سرهندی، محمد معصوم بن احمد سرهندی، محمد یحیی بن احمد سرهندی، فرخ شاه، محمد صبغت الله بن محمد معصوم بن احمد سرهندی، حجة الله محمد نقشبند بن محمد معصوم بن احمد سرهندی، سیف الدین سرهندی، محمد عابد سرهندی، نور محمد بداونی، محمد پارسا بن محمد عبیدالله بن محمد معصوم، شاه محمدرسا مشهور به شاه صاحب، محمد اسمعیل بن محمد صبغت الله، محمد صفت الله بن محمد اسمعیل، حاجی غلام محمد معصوم الملقب به معصوم ثانی بن محمد اسمعیل [تحفة المعصوم در احوال ایشان نوشته شده است]، شاه غلام محمد، شاه غلام علی دهلوی، خالد نقشبندی / کردی، آخوند ملاتیمورخان باجوری، محمد معصوم بن ملاتیمور، شاه عزت الله ولی بن شاه معصوم ثانی.

آغاز: «حمد و ثنا گوناگون بر آن خالق بی‌چون که عافان درگاه خود را»؛ تاریخ کتابت: ۱۲۴۹ ه. ق، ترقیمه: «کتب هذه حاجی محمد البخاری ۱۲۴۹ ه. ق»، نستعلیق، ۴۴ برگ، شماره: ۹۰۲/۵۱

رسائل و مکاتیب، تألیف شیخ عبدالحق محدث دهلوی، بی تاریخ، بدون نام کاتب، نستعلیق، نسخه‌ای نفیس و مطلاً، ۲۰۶ برگ، ۱۷ سطر، شماره: ۸۱۳/۱۶

سیاحت‌نامه، تألیف محمد خلیل بن محمد غفران الله احمدی فاروقی سرهندی  
پشاور، مؤلف در دیباچه می‌گوید:

به حکم اشارت... محمد عارف بیگ بن المرحوم عصمت بیگ ادام الله غزه  
و جلالة که به این کمینه باعث شده التزام نمودند آنچه معلومات تست از احوال  
بعضی بلاد که سیاحت کردی [یا] از ثقات استماع نمودی یا بعضی از تواریخ  
علماء و فضلاء و سلاطین و حکام و اعیان و ذکر بعضی مزارات مشهورین که  
در هر بلده واقع است بنویس... احوال بعضی از بلاد هند جانب پنجاب و کابل و  
خراسان و بدخشان و ماوراءالنهر و فرغانه و کاشغر و ختن و دشت قبیاق تردّد  
و جستجو نموده به طریق اجمال و تفصیل نوشته شد

از این اظهارات مؤلف به این امر پی می‌بریم که شهرهایی را که او در سفرنامه ذکر  
کرده همه را با چشمان خود ندیده است بلکه احوال برخی از آنها را از کتابها نقل کرده  
است یا شهرهای را دیده اما احوال تاریخی آنها را از کتابها نقل کرده است. محمد عارف  
بیگ بن عصمت بیگ که برای نوشتن این سیاحت‌نامه فرمایش نمود، همان عارف  
حکمت است که در کتابخانه‌اش این نسخه خطی محفوظ است. ما در ضمن رساله ذکر  
مشائخ متأخرین سلسله نقشبندیه مجدّیه، اشاره کرده‌ایم که خلیل سرهندی به استانبول  
هم رفته بود که وطن عارف حکمت است. واژه «بیگ» را در زبان ترکی برای مرد جهت  
احترام می‌نویسند. مؤلف لاهور را به صورت «اله نور» ضبط کرده است و گفته است که  
به لاهور و لاهور نیز معروف است. در ضمن بناهای لاهور مسجد وزیرخان، مزار شاه  
ابوالمعالی، مزار شاه حسین و مقبره جهانگیر را ذکر کرده است. خط نستعلیق، نسخه  
ناقص، شماره: ۹۰۲/۷۷

سیرالبلاد خادم، تألیف سید امام بخش متخلّص به خادم عظیم آبادی، سفرنامه  
حجاز عراق و ایران است در سه جلد. مؤلف سفر اول را در ۱۲۲۷ هـ، سفر دوم را در  
۱۲۲۹ هـ. و سفر سوم را در ۱۲۳۴ هـ. ق انجام داد. این سه جلد دارای اطلاعات بیش  
در باره شهرهای این کشورها و آبادی‌های در راه و راه‌ها و آداب و رسوم و رفتار مردم  
است. مؤلف به جزئیات نویسی پرداخته، آن را سفرنامه‌ای منفرد ساخته است. من از هر  
سه جلد یادداشتهای مفصل تهیه کرده‌ام که در مقاله‌ای جداگانه تقدیم خواهد شد. به  
خط مؤلف، ۵۵۶ صفحه، شماره: ۹۰۲/۷۸

شرح دیوان عرفی شیرازی، به زبان ترکی، شارح: وهبی افندی، کاتب: درویش صالح  
هندی، تاریخ کتابت: ۱۱۱۱ هـ. ق، ۲۸۰ صفحه، شماره: ۸۱۱/۲۲۱

کنز الهدایات فی کشف البدایات تألیف محمد باقر لاهوری، نستعلیق، نسخه‌ای نفیس و مطلقاً، ۱۳۰ صفحه، شماره ۲۶۱/۳۰

مثنوی شیخ جیون، سروده ملا احمد جیون یا شیخ جیون، مثنوی حجیمی است به تقلید از مثنوی مولوی.

آغاز دفتر اول:

طرفه قصه عشق که گویم عیان      واشگافم شرح حال دلستان  
آغاز دفتر چهارم:

فیض عارف باز چون گشته جدید      نبوت سفر چهارم در رسید  
خاتمه مثنوی:

ختم کردم پس برین قصه کتاب      از سخن گویی بکردم سدّ باب  
تاریخ کتابت در پایان دفتر سوم آمده است:

تمام شد دفتر ثالث مثنوی معنوی تصنیف شیخ جیون بتاريخ دویم شهر

ربیع الثانی ۱۲۳۹ هـ، نستعلیق، ۴۵۸ برگ، شماره: ۲۶۱/۳۵

مجالس النفاث، تألیف میرعلی شیرنویبی، ترجمه فارسی از حکیم محمد بن مبارک قزوینی،<sup>۱۸</sup> نسخه کتابخانه عارف حکمت بسیار متأخر است و چندان قابل توجه نیست.  
شماره: ۹۰۲/۴۹

مطلع سعدین و مجمع بحرین، تألیف کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶-۸۸۷ هـ)  
<sup>۱۹</sup> تاریخ کتابت: غره محرّم ۸۸۴ هـ یعنی در حین حیات مؤلف، ترقیمه:

تمت الكتاب بعون الملك الوهاب الله الباری حاجی حسین السمنانی

غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی غره محرّم الحرام سنه اربع و ثمانین و ثمانمائه...

در دو صفحه اول الواح بسیار زیبای طلائی و لاجوردی، لوح اول درباره کتاب است و لوح دوم درباره کتابخانه‌ای است که نسخه برای آن کتابت شده، سپس در صفحه‌ای که متن آغاز می‌شود در آنجا نیز لوح وجود دارد. نسخه ایست که به رسم خزانه (برای کتابخانه سلطنتی) ساخته شده است. عبارت لوح اول از این قرار است:

هذه الكتاب التاريخ الموسوم بمطلع السعدین و مجمع البحرین و شرح وقایع و نشر بدایع سایر بلاد و دیار و اخبار ملوک نامدار باسم سامی المغفور المبرور السعید شاه رخ سلطان بن الخاقان الاعظم الافخم المؤید من عند الله الملك السبحان ابوالمظفر تیمور کورکان طالب الله تراهما و شرف اسلافهما اجمعین الی یوم الدین،

عبارت لوح دوم چنین است:

لرسم الخزائن سلطان العادل، افضل قدوة ارکان دین و دول، مظهر اسرار  
الهی و مطلع انوار لامتناهی، ظل الله فی الارضین، آیه رحمة رب العالمین.  
الموید من الله تع الکریم المنان مغيث السلطنة الدنیا و الدین، ابوالغازی سلطان  
حسین بهادرخان خلدالله تعالی سلطانه و افاض علی العالمین برّه و احسانه و  
اعلی فی الخافقین امره و شانه.

در ظهريه احوال مؤلف به خط چلیبی زاده اسماعیل عاصم با تاریخ ۱۱۵۳ ه. ق آمده  
است که از حبیب السیر برگرفته شده. این نسخه در تحویل چلیبی زاده اسماعیل عاصم  
بوده است. امضا و یادداشت‌های چند مالک قدیمی دیگر نیز در ظهريه نوشته شده مثلاً:  
ابراهیم پاشازاده محمد السعد الحسینی، ابراهیم پاشا بن احمد پاشا با تاریخ ۱۲۰۴ ه.  
نسخ ریز، عنوان‌ها به رنگ طلایی لاجوردی و شنگرفی، حاشیه طلایی و لاجوردی،  
قطع رحلی، ۴۷۰ صفحه، شماره: ۹۰۲/۹۹

مطلع سعدین و مجمع بحرین\*، نسخه دوم، تاریخ کتابت ۹۱۱ ه. مطلا و نفیس،  
نسخ، ۵۳۰ صفحه، شماره ۹۰۲/۱۰۰  
برای تصحیح مجدد مطلع سعدین باید از این دو نسخه یا حداقل از نسخه اول  
استفاده شود.

ملفوظات خواجه عبیدالله احرار. گردآورده میرعبدالاول نیشابوری، ۲۰ آغاز: الحمد  
لولیه و الصلاة علی نبیه: تاریخ کتابت: ۱۲۷۰ ه. ترقیمه:

اتمام شد این کتاب بفرمایش حضرت ولی نعمی ام - سلمه الله تعالی فی  
الدارین - سنه هزار و دو صد و هفتاد در پانزدهم شهر ذی القعدة علی یدالعبد  
الفقییر الحقییر المذنب الراجی الی رحمة الملک الهادی - ملا اسمعیل - غفرالله  
ذنوبه و سترعیوبه

نسخه با این عبارت به پایان می‌رسد: خود را تمام خلاص ساختم، هرچند کردند که  
در من تصرف کنند، نتوانستند - تم.

نستعلیق، تمام نسخه حاشیه طلایی دارد، دو صفحه اول با سرلوح لاجوردی، نقش  
و نگار طلایی دارد، ۲۴۸ صفحه، پس از ملفوظات خواجه محی‌الدین عبدالحق (م ۹۵۶  
ه. ق) نوه پسر خواجه احرار است. شماره: ۲۶۱/۴۲

نسمات القدس، تألیف حاج میرزا مقصود دهیبیدی نقشبندی احراری مجددی. مؤلف

در آخرین دهه رمضان سال ۱۲۶۵ ه. ق به استانبول رفت که مصادف بود با روزگار خلافت سلطان عبدالمجید خان بن سلطان محمود خان غازی. چند روز در آنجا بود و خانقاه‌ها و مدرسه‌ها و محله‌های آنجا را دید و با شیخ عارف حکمت ملاقات نمود. عارف حکمت ترتیب اقامت مؤلف را در حجره‌ای از مدرسه سلطان بایزیدخان ولی داد. مؤلف در آنجا نشسته به مطالعه کتابها می‌پرداخت و با کمک آنها در تاریخ ۱۸ ذیقعد ۱۲۶۵ ه. ق احوال بزرگان را گردآوری کرد و پس از تحقیق در تاریخ تولد و وفات آنان، بر آن مطالبی افزود و این تذکره را نوشت (خاتمه کتاب). مؤلف در دیباچه می‌نویسد:

مراد از این تألیف و تصنیف بیان حالات و کرامات و خوارق عادات صاحب الطریقه الاحسنیه... شیخنا و مولینا حضرت شیخ محمدجان النقشبندی الاحراری المجددی است ادام الله بقاء... این مجموعه را نسومات القدس نام نهادم.

لازم به توضیح است که این کتاب غیر از تألیفی از محمد هاشم کشمی با نام نسومات القدس من حدائق الانس است. هر دو کتاب تذکره مشایخ نقشبندیه احراریه است. مقصود دهبیدی به تاریخ ۱۴ شعبان ۱۲۶۰ ه. ق به مکه مکرمه رسید و به خدمت شیخ محمدجان رسید. در آن وقت سن شیخ از ۸۷ سال تجاوز کرده بود (برگ ۹۴). اگرچه بنا به گفته مؤلف هدف اصلی تألیف این کتاب بیان حالات و کرامات شیخ محمدجان النقشبندی الاحراری است، اما مؤلف احوال مشایخ متعدد نقشبندی و مجدّدی، قبل از او و بعد از او را نیز آورده است. در این جا نام مشایخ را به همان ترتیبی که احوال آنها در کتاب آمده است می‌نویسیم:

خواجه احرار، محمد قاضی سمرقندی، زاهد و خشواری، امیر بخاری، مولانا خواجهگی مخدوم اعظم، خواجه اسلام جویباری، خواجه محمد امین دهبیدی، خواجه اسحاق دهبیدی، خواجه هاشم صوفی دهبیدی، لطف‌الله حسینی، شیخ خدای دادولی، قاسم شیخ کرمنگی، درویش محمد امکنگی، خواجهگی امکنگی، خواجه بافی بالله، شیخ تاج‌الدین هندوستانی، خواجه حسام‌الدین احمد، شیخ الله‌داد هندوستانی، شیخ عبدالاحد هندوستانی، شیخ احمد سرهندی، میان محمد صادق، محمد سعید سرهندی، شیخ محمد معصوم سرهندی، شیخ عبدالاحد سهرندی [سرهندی] (از نبیره‌های حضرت مجدّد)، محمد عابد سهرندی [سرهندی]، سید محمد محسن هندوستانی، سید



نورمحمد بداونی، شمس‌الدین حبیب‌الله میرزا جان جانان، خواجه محمدرضا حصارى القرطاقى، محمد موسى خان خواجه دهبيدى، نقابت پناه ايشان خان خواجه دهبيدى، اولياجان دهبيدى، خليفه خدايار، خليفه محمود، خليفه حاجى محمد يوسف بخارى، خليفه عبدالقيوم، خليفه ميرجى صاحب سهرندى [سرهندى]، شمس‌الدین حضرت خليفه محمد امين مشهور به ايشان، خليفه قوزى تاشكندى، خليفه ميررحمت شهر سبزی، میان احمد صاحب زاده پشاورى، خليفه نيازی قلى تركمان، عطاءالله خواجه شيخ الاسلام بخارى، شيخ خداى دادخوارزمى، شيخ نياز جو قماقى بخارى، داملا سفر بخارى، محمد اسلام كرخى الهروى، باغ دارخوقندى، فيض خان كابلې، حاجى سيف‌الدين نقشبندى، خليفه محمد حسين، خليفه تيمورخان كهنه تيرى البجاورى، شيخ عبدالله معروف به غلام على شاه دهلوى و خلفاى او: میان ابوسعيد، حضرت خليفه محمدجان ادام الله بقاء النقشبندى الاحرارى المجددى المكى بجاورى الاصل، ميرزا رحيم الله بيگ ملقب به درویش محمد كتابى، مولانا خالد كردى، شيخ عبدالكريم بلخى ادام الله بقاء، شيخ عبدالله آبخور ادام الله بقاء، شيخ ولى الله دكنى زادفيوضه [تا اينجا اسامى خلفاى غلام على شاه دهلوى بود]، خليفه تركمان خواجه كشميرى، خليفه شريف خواجه دهبيدى، ابوالمعانى خواجه نمنگانى، سيد رشيد بلخى، محمد ذاكر خواجه شيخ الاسلام، مولوى نمنگانى، عبدالرحمان مخدوم، مله خواجه دهبيدى، احمد مخدوم كيشى، موسى خواجه شيخ الاسلام سيرمجى، قاضى محمد شريف خواجه بخارى، شاه رستم خواجه سمرقندى، داملا تاش محمد بوستانى بخارى، داملا خواجه كلان بخارى، عبدستار ادام الله بقاء، محمد كداء كوهستانى ادام الله بقاء، خليفه خان توره خان تاشكندى، شاه عصمت الله نمنگانى، شاه عصام الدين پتروشندى، عبدالرحمان قندوزى، دانا قلى سمرقندى، محمد شريف بلخى، خواجه نياز كشميرى، سليم خواجه قباديانى ادام الله بقاء، بازجى زاده محمد چلبى كلبوليكي، بايزيد اورنوى رومى، عمادالدين بغدادى، محمد چلبى زاده قيظمونى رومى، شاه قاسم هواللهى، ميرزا عبدالقادر بيدل هندى، (برگ ۱۲۷ الف - ۱۲۹ ب).

مؤلف درباره بيدل اين اطلاع را داده است:

وفاتش در تاريخ هزار و نود يا چيزى كمابيش بوده، مزار فيض آثار وى در سهرند واقع است!!... يزار و يتبرك به.<sup>۲۱</sup>

بعد از آن خاتمه كتاب است كه در آن گزارش تأليف كتاب را نوشته است.

آغاز:

حمد و ثنای معبودی را که از ذروه سما تا سمک و از بسیط... اما بعد  
کمترین... الحاج میرزا مقصود دهبیدی که یکی از خادم زادگان طریقه علیه  
دهبیدیه و خوشه چینان پیران نقشبندیه احراریه مجدد است، خواست که: (خط  
نستعلیق، جدول طلایی، سرلوح، نسخه‌ای بسیار زیبا، ۲۶۰ صفحه، شماره:  
۲۲/۵۰ (۹۰۲/۵۰)

نوای خروس، تألیف عبدالوهاب بن جلال‌الدین محمد همدانی، تاریخ تالیف: ۹۳۳  
ه.ق (=نوای خروس). آغاز:

لحمد لله الذی... چنین گوید گرفتار خواب غفلت و ضائع کننده اوقات  
بیداری عبدالوهاب بن محمد همدانی که شبی چون بخت عاصیان سپاه:  
تاریخ کتابت: ندارد؛ احتمالاً قرن سیزدهم هجری، برگ ۴۵ - ۵۰ ب، شماره: ۱۰  
فن مجامیع (رساله ۳)  
در دفتر نام آن «رساله ادبیه باللغة الفارسیه» نوشته‌اند. تألیفی از همین مؤلف با نام  
ثواب المناقب اولیاءالله متعاقباً ذکر خواهد شد.

### نسخه‌های خطی گنجینه‌های دیگر

نسخه‌های خطی که در گنجینه‌های دیگر کتابخانه ملک عبدالعزیز دیدم یا  
ویژگی‌های آن را از دفتر نقل کردم به ترتیب حروف الفبایی از قرار زیر است. نام هر  
گنجینه نسخه‌های خطی بعد از شماره مابین قلاب نوشته شده است. ویژگی‌های  
نسخه‌های خطی که از دفتر گرفته شده و موفق به دیدن نسخه آن نشدیم با نشان \*  
مشخص شده است. در گنجینه محمودیه تألیفات عربی فراوانی از مؤلفان سندی که از  
سند به مدینه منوره هجرت کرده بودند موجود است.

اویسیه\*، تألیف مخدوم محمد معین تتوی، این رساله در حیدرآباد سند به چاپ  
رسیده است؛ بدون تاریخ، شماره ۲۶۲۸/مجموعه (محمودیه)

تحفة الفحول فی الاستغاثة بالرسول\* (عربی)، مؤلف: محمد ایوب پشاوری، نسخ،  
شماره: ۱۹۱۲ (محمودیه)

تراجم الخواجه محمد معصوم\*، تألیف محمد معصوم المجد [کذا]، بدون تاریخ،  
شماره: ۱/۱۶۰ (القازانیه)

دوره جدید، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷ (۲۱ شهریور ۱۳۸۷) ۴۲

چون نسخه را خواستم، کتابدار گفت که نسخه‌های فن مجامیع شماره ۱۶۰ به گنجینه عارف حکمت فرستاده شده است. وقتی در آن گنجینه نسخه درخواست شد، کتابدار آنجا گفت که در گنجینه رساله‌ای با این شماره وجود ندارد! می‌خواستم حصول اطمینان کنم که این نسخه با مقامات معصومی<sup>۲۳</sup> چه نسبتی دارد.

ثواب المناقب اولیاء الله\*، ترجمه ترکی، تألیف عبدالوهاب بن جلال‌الدین محمد همدانی<sup>۲۴</sup>، مترجم: درویش محمود مثنوی خوان قونیوی، تاریخ ترجمه: ذی‌قعدة ۹۹۸ هـ، حاشیه عبدالحکیم سیالکوتی علی الرسالة القطیبه\* (عربی)، تاریخ کتابت: ۱۰۵۷ هـ، نسخ، شماره: ۲۴۱۵ (محمودیه)

حکایت بوعلی‌سینا، داستانی خیالی به زبان ترکی درباره بوعلی‌سینا، آغاز: راوی شیرین کلام ایله روایت ایدرکیم مغرب دیارنده، ۷۴ برگ، ۱۹ سطر، شماره: ۹۶۰ (الشفاء)

عوارف المعارف\* (عربی)، تألیف شیخ شهاب‌الدین سهروردی، تاریخ کتابت: ۷۸۹ هـ، نسخ، شماره: ۱۵۸۳ (محمودیه)

فتاوی عالم‌گیری\* (عربی) تاریخ کتابت: ۱۱۰۹ هـ، نسخ، در چهار جلد، شماره: ۱۰۹۱ تا ۱۰۹۴ (محمودیه)

کنز‌العمال\* (عربی)، مؤلف: شیخ علی متقی، تاریخ کتابت: ۹۶۲ هـ، نسخ زیبا، شماره: ۴۴۳ (محمودیه)

کنز‌العمال، نسخه دوم، تاریخ کتابت: ۹۶۶ هـ، نسخ زیبا، شماره: ۴۴۴ (محمودیه) مجموعه رسائل عربی\* در آن تألیفاتی به شرح زیر از مؤلفان سندی وجود دارد. التیان للزجر عن شرب الدخان، تألیف محمد حسین انصاری سندی؛ الاستدراک للادراک، تألیف مخدوم عبدالواحد سیوستانی؛ رساله مفصله فی حکم شرب الدخان، تألیف شیخ محمد حیات سندی، شماره: ۲۶۸۲

مثنوی معنوی، سروده جلال‌الدین محمد بلخی رومی، تاریخ کتابت: ۷۷۰ هـ، ترقیمه:

تمت کتابه کتاب المثنوی آلهی... (پاره شده) شهر الله رجب المرجب سنة سبعین سبعمائیه علی ید العبد الحقیر الزاجی الی رحمة ربّه الغنی القدر محمد بن عیسی الحافظ المولوی القونوی عفا الله عنه و لوالدیه و لجمیع المسلمین اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

نسخه ناقص الاوّل است و با این بیت دفتر سوم آغاز می‌شود: هر که دور از حالت ایشان بود.

پایان نسخه:

در دل من آن سخن زان میمنه است زانک از دل جانب دل روزنه است

(دفتر ششم)

بعد از آن همین کاتب در صفحه بعد ابیات مثنوی سلطان ولد را نوشته است با عنوان:  
این ابیات از آن حضرت حضرت سلطان المحققین ولدست قدسنا الله بسره  
الموید الموبد آمین یا رب العالمین

مطلع:

مدتی زین مثنوی چون والدم شد خمش گفتش ولدکای زنده دم  
خاتمه:

آب جان را ریز اندر بحر جان تا شوی دریای بی حد و کران  
خط نسخ، عنوان‌ها شنگرفی. اعراب مورد استفاده قرار گرفته، کاتب واژه‌های  
فراوانی را با الف ممدوده نوشته که در املائی امروزی با الف ممدوده نوشته نمی‌شود مثلاً:  
«با خواص خویش از بهر شکآر، یک کنیزک دید شه بر شاه راه، دست بکشآد و کنآر  
آتش گرفت.» کاتب بعد از ترقیمه، در صفحه بعد وصیت‌نامه مولانا را نقل کرده است<sup>۲۵</sup>  
و تعداد ابیات هر شش دفتر مثنوی را به شرح زیر بیان کرده است: دفتر اول: ۴۰۴ بیت،  
دفتر دوم: ۳۸۲۴ بیت، دفتر سوم: ۴۸۵۶ بیت، دفتر چهارم: ۳۸۷۰ بیت، دفتر پنجم:  
۴۲۵۳ بیت، دفتر ششم: ۴۹۷۶ بیت؛ تعداد ابیات دیوان ۳۳۷۱۰ بیت، تاریخ‌های تولد و  
وفات مولانا و سلطان ولد و چلبی حسام‌الدین و چلبی عارف را نوشته است؛ چهار  
ستونی، هر شش دفتر کامل، شماره: ۲۹۷۱ (محمودیه).

نسخه‌ای دیگر از مثنوی معنوی به قلم همین کاتب یعنی محمد بن عیسی الحافظ  
المولوی القونوی در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم [شماره: ۱/۱۳۲۶۳ مجموعه]  
نیز موجود است. تاریخ کتابت نسخه قم رجب ۷۹۵ هـ. است یعنی کمی متأخرتر از دو  
نسخه مدینه منوره. عبارت ترقیمه نسخه قم کاملاً مانند عبارت ترقیمه نسخه دوم مدینه  
است با استثنای تاریخ کتابت آن. ترقیمه نسخه قم بدین عبارت است:<sup>۲۶</sup>

اتفق الفراغ من كتابة كتاب المثنویات الیهادیات الی سبل النجات المنقذات  
من دركات المهلكات و الموصلات الی الدرجات العالیات و مرضات ربّ  
الأرض و السموات یوم الجمعة فی اوایل شهرالله رجب المرجب سنه خمس، و  
تسعين و سبعمایه علی يد العبد الحقیر الفقیر الراجی الی رحمة ربّه الغنی التقدير

دوره جدید، سال ششم، شماره سوم، پانز (پایانی) ۱۳۸۷ (۴۲)

محمد بن عیسی الحافظ المولوی القونوی عامله الله بلطفه الخفی و غفرله و  
الوالدیه و لجميع المؤمنین و المؤمنات الاحبا منهم و لرسول برحمتک یا ارحم  
الراحمین آمین...

در نسخه قم نیز در اطرافِ ترقیمه همان رباعی مرقوم است که در نسخه مدینه، یعنی:  
أغساز مقابله به انجام رسید جهان را چه شرابها کزین جام رسید  
پیش از اجل ای صدر اجل شرح ازل المنة لله که با تمام رسید  
نسخه قم از دفتر اول آغاز و با این بیت دفتر ششم به پایان می‌رسد:

در دل من آن سخن زان میمنه‌ست زانک از دل جانب دل روزنه‌ست  
تمام ویژگی‌های خط این نسخه همان است که در نسخه‌های مدینه وجود دارد،  
۲۸۴ برگ.

المغرب فی ترتیب المغرب\* (عربی) تألیف ابوالفتح ناصرالدین مطرزی (۵۳۸-۶۱۰هـ)  
این کتاب به اهتمام محمد فاخوزی و عبدالحمید مختار از مطبعة النجمة، حلب  
(سوریه) انتشار یافته است و عکس آن از سوی اداره دعوة الاسلام کراچی تجدید چاپ  
شده است. فرهنگ عربی است، تاریخ کتابت: ۷۳۰هـ نسخ، شماره: ۲۰۸۶ (محمودیه)  
والدیه، تألیف خواجه عبیدالله احرار، ترجمه ترکی، مترجم ناشناخته، آغاز: «هذه  
والدیه حضرت خواجه عبیدالله الاحرار النقشبندی قدس سره، بسم الله الرحمن الرحیم،  
حمد شول الله عظیم الشان حضرت تریته که احد در ذاتیله و کبریاسیله»، بدون تاریخ،  
بدون نام کاتب، نسخ، در مجموعه، برگ ۱۴ ب- ۲۵ الف، شماره: ۲۲۵/۷۱ (بشیر آغا).  
وصایا\* (فارسی)، مؤلف: زین الدین خوافی، شماره ۲۶۷۱/ مجموعه (محمودیه)

کتابخانه مسجد النبوی شریف

در مسجد النبوی شریف، در جنب باب عمر و باب عثمان مکتبه المسجد النبوی  
الشریف قرار دارد. «قسم المخطوطات» در باب عثمان است. در دو طبقه پایین کتابهای  
چاپی نگهداری می‌شود. وقتی از پله‌های تنگ بالا رویم در طبقه سوم به بخش  
نسخه‌های خطی می‌رسیم، که از اتاق‌های کوچک تشکیل شده است. روی دیوارها  
صفحات عکسی بزرگ شده نسخه‌های خطی، مرقع‌های خط، وسایل خطاطی و  
نقشه‌های قدیمی مدینه منوره و مکه مکرمه آویزان است. در یکی از اتاق‌ها دفتر  
کتابدار است. در اتاقی دیگر عکس همه نسخه‌های خطی را گذاشته‌اند تا

مراجعه کنندگان نیازی به دیدن نسخه خطی نداشته باشند. در اتاقی دفترهایی به شرح زیر برای راهنمایی موجود بود:

۱. فهرس مخطوطات مکتبه المسجد النبوی الشریف، ۷۷۷ صفحه، نمایه‌های متعدد نیز دارد: کشف ابجدی لعناوین، کشف ابجدی لاحالات العناوین، کشف ابجدی للمؤلفین، کشف مصادر توثیق.

۲. فهرس المصوّرات المفردة و المجامیع بمکتبه المسجد النبوی الشریف، ۴۲۰ صفحه.

۳. فهرس مجامع المخطوطات الاصلیه (۱۵۱-۲۰۰) مکتبه المسجد النبوی الشریف، این فهرست دستنویس است و شماره میکروفیلمها را نیز دارد.

۴. کشف بالمخطوطات المصوّرة المکبّرة. وقتی دفتر را تورق کردم یک نکته روشن گردید که در اینجا نسخه‌های خطی فارسی بسیار کم است و نسخه‌های عربی نیز بیشتر در موضوعات دینی است. چند کتابی که مورد علاقه من بود و توانستم آنها را بینم از این قرار است:

تراجم مشائخ (عربی)، مؤلف: محمد عابد بن یعقوب سندی، آغاز:

الفصل اثنانی فی ذکر مشایخهم و احوالهم احوالا فاما شیخنا العارف بالله

العلامة التحریر الشیخ یوسف بن محمد بن علاء الدین المزجاجی؛

در این کتاب بیشتر ترجمه احوال مشایخی آمده است که نسبت «مزجاجی» دارند. در آن احوال برخی علما و مشایخی که نسبت «سندی» دارند نیز مشاهده شد از جمله: شیخ محمد حیات سندی، علامه ابوالحسن بن محمد صادق سندی، تاریخ کتابت: ۱۳۱۴ هـ، ۳۵ برگ، شماره (عکسی): ۳۴/۹۲۰ (اصل نسخه خطی در مکتبه الحرم المکی الشریف به شماره: ۸۷/ تراجم).

مجموعه:

۱. تاریخ ملازاده (مزارات بخارا) فارسی، تألیف احمد بن محمود مدعو بن معین

الفقراء<sup>۲۷</sup>

۲. احوال اکابر دیار بلخ (فارسی)، تألیف محمد صالح ندایی بن امیر عبدالله بن امیر

عبدالرحمان بن شیخ خلیل الله اورسنجی بدخشی؛ همان مؤلف و همان کتاب اوست که استاد احمد منزوی در جایی با نام احوال اکابر بلخ<sup>۲۸</sup> و در جایی دیگر به عنوان رساله

بلخیه ذکر کرده است. ۲۹ در نسخه مدینه نسبت مؤلف «ندای / اورسنجی / بدخشی» موجود است اما سمرقندی نیست. استاد منزوی فقط یک نسخه از احوال اکابر بلخ (دانشگاه تهران) را ذکر کرده است و از اینجا حدس می‌زنیم که نسخه‌های این کتاب در خارج از ماوراءالنهر بسیار کمیاب است. این کتاب به دستور والی بلخ عبدالمومن خان (حکومت ۱۰۰۶-۱۰۰۷ ه.ق.) بن عبدالله خان [بن] سکندر سلطان تالیف شده است. مؤلف در بخش دوم کتاب به شیوه فضائل بلخ<sup>۳۰</sup> ۷۰ تن از مشایخ بلخ را با شماره ذکر کرده است:

اکنون شروع بدان هفتاد نفر ستوده سیر کنم که مردم بلخ در وجودشان افتخار و مباهات می‌کردند و هریکی را به تفصیل نام برده شود تا کمال ایشان به ناظران این نسخه روشن تر شود.

خط معمولی و مغلوپ است، تاریخ کتابت: ۲ صفر ۱۳۲۷ هـ، ۸۶ برگ، شماره: ۸۰/۱۸۴ (مخطوط).

### پی‌نوشت‌ها

۱. اصل مقاله به زبان اردو در مجله فکر و نظر، اسلام آباد، جلد ۴۳، شماره ۳ صص ۸۳ تا ۱۱۶ + ۱۱۷ تا ۱۲۲ چاپ شده است.

۲. در این سفر فهرست‌نویس پاکستانی دکتر خضر نوشاهی نیز همراه بود.

۳. دانشمندی که این فهرست را تدوین و تهیه کرده‌اند با زبانهای فارسی و ترکی آشنایی ندارند و کتابهای ترکی را فارسی و کتابهای فارسی را ترکی قلمداد کرده‌اند. عبارات‌های فارسی را اشتباه و نادرست نقل کرده‌اند. مثلاً در زیر مدخل ۱۵۶۳ دیوان حافظ بخط عبدالرحمان الجامی با تاریخ ۹۸۶ ه.ق نشان داده شده است، ۳۰ برگ، شماره: ۵۲/۲۰۶. اگر این نسخه را مولانا جامی (م ۸۹۸ ه) نوشته است روزگار او متعلق به یکصد سال پیش از کتابت است و سال کتابت ۸۸۶ ه. و یا ۸۹۶ ه. قرین صحت است. به علت کمبود وقت نتوانستم نسخه را ببینم. طبق فهرست این نسخه با «که عشق آسان نمود اولی افتاد مشکله» آغاز می‌شود و با «عجب گر آتش این زرق در دفتر نمی‌گیرد» به پایان می‌رسد. فهرست‌نویس‌ها مصرع دوم مطلع دیوان را «کم عشق آسان نمود اولی دلی افتاد مشکله» و مصرع اختتامی را «عجب آتش این ذوق در دفتر نمی‌کرد» نقل کرده‌اند و فارسی دانی آنها معلوم است!

۴. هدیه العارفين، ص ۱۸۸ در زیر «احمد عارف حکمت».

۵. الاعلام، ص ۱۴۱، در زیر «احمد عارف حکمت»، در متن سال تولد ۱۲۰۰ ه و در حاشیه ۱۲۰۱ ه آمده است.

- ۶ و ۷. در هر سه جلد سیرالبلاد برگ شمار ندارد لذا امکان نداشت که برای ارجاع شماره برگ داده شود.
۸. اخبار الاخیار، به تصحیح دکتر علیم اشرف خان را انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴ ش/ ۲۰۰۵ م انتشار داده است.
۹. متن فارسی با ترجمه اردو به کوشش پرفسور محمد اقبال مجددی، در سال ۱۹۸۱ م. از مکتبه سراجیه احمدیه، موسی زئی شریف، بخش دیره اسمعیل خان [پاکستان] انتشار یافته است.
۱۰. سلک الدرر فی اعیان القرن الثانی عشر، ص ۲۶۰-۲۶۲.
۱۱. نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، ص ۱۹۰-۱۹۱.
۱۲. هدیه العارفين، ص ۶۶۷
۱۳. همان، ص ۶۶۷
۱۴. فهرست مخطوطات دارالکتب الظاهرية (قسم التصوف)، ص ۷۳۱-۷۳۲.
۱۵. همان، جلد ۲، ص ۸۴؛ برای اطلاعات درباره نسخه‌های خطی در ترکیه و سوریه از دکتر نجدت طوسون، استاد دانشکده الهیات، دانشگاه مرمره استانبول تشکر می‌نمایم.
۱۶. مثلاً برای محمد مراد: ج ۴، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ برای محمد بهاء‌الدین: جلد ۴، ص ۱۱۴-۱۱۵؛ برای علی مرادی: جلد ۳، ص ۲۲۰-۲۲۸؛ باز هم از دکتر نجدت طوسون تشکر می‌کنم که این اطلاعات را در اختیار من گذاشت. ذکر شیخ محمد مراد شامی در ضمن خلفای خواجه محمد معصوم در مقامات معصومی تألیف میرضفر احمد معصومی موجود است (چاپ لاهور، ۲۰۰۴ م، ج ۲، ص ۶۰۹-۶۱۱؛ جلد ۳، ص ۴۶۹-۴۷۰). مصحح فاضل کتاب پرفسور محمد اقبال مجددی در تعلیقات (جلد ۴، ص ۳۶۶-۳۷۱) برخی از تسامحات مؤلف را نشان داده است و اطلاعات ارزشمندی درباره شیخ مراد و خانواده او افزوده است.
۱۷. فهرست نویسان ایرانی که نسخه‌های خطی مدینه را دیده‌اند، نام این کتاب را تراجم المشایخ المذكورین فی السلسلة المجددیه نوشته‌اند. از نام کتاب گمان می‌رود که کتاب به عربی است، بنابراین من در ضمیمه کتاب خود احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار (چاپ تهران، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۹۱) اشتباهاً جزء کتابهای عربی نوشته‌ام. اکنون با رؤیت کتاب روشن شد که به فارسی است.
۱۸. این ترجمه به اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات منوچهری، تهران ۱۳۶۳ ش به چاپ رسیده است.
۱۹. مطلع سعدین تا به حال دو بار به چاپ رسیده است. بار اول به تصحیح مولوی محمد شفیع (۱۸۸۳-۱۹۶۳ م.) و بار دوم به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی (۱۳۰۴-۱۳۸۴ ش). چاپ مولوی محمد شفیع فقط جلد دوم را دربر دارد و این در سه بخش به این ترتیب به چاپ رسیده است:
- جلد دوم، جزء اول (وقایع ۸۰۷ تا ۸۳۲ ه؛ مطبع گیلانی، لاهور، طبع اول، ۱۳۶۳ ه/ ۱۹۴۴ م.، طبع دوم: ۱۳۶۵ ه/ ۱۹۴۶ م و باقیمانده آن چاپ پاکستان پرینتینگ ورکس، لاهور، ۱۳۸۳ ه/ ۱۹۶۳ م.؛
- جلد دوم، جزء دوم و سوم (وقایع ۸۳۳ تا ۸۷۵ ه): با تتمه حواشی و فرهنگ لغات ترکی و مغولی، مطبع گیلانی، لاهور، ۱۳۶۸ ه/ ۱۹۴۹ م.؛
- چاپ دکتر نوایی مشتمل است بر جلد اول و دوم و به این ترتیب به چاپ رسیده است.
- جلد اول: در صفحه عنوان این چاپ جزء یا دفتر آن تصریح نشده و آن را کتابخانه طهوری در سال



۱۳۵۳ ش انتشار داده است. این در حقیقت دفتر اول از جلد اول است و مشتمل بر وقایع ۷۰۴ تا ۷۷۲ هـ. همین جلد را بار دوم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران در ۱۳۷۲ ش انتشار داد. - جلد اول، دفتر دوم (وقایع ۷۷۲ تا ۸۰۷ هـ): ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ ش.

- جلد دوم، دفتر اول (وقایع ۸۰۷ تا ۸۵۰ هـ)، همان ناشر، ۱۳۸۳ ش.

- جلد دوم، دفتر دوم (وقایع ۸۵۱ تا ۸۷۵ هـ)، همان ناشر، ۱۳۸۳ ش.

دکتر نوایی در دفتر اول جلد دوم دیباچه‌ای تحت عنوان «چند کلمه بر سبیل اعتذار» نوشته است (صفحه پنج تا چهارده) و در آن احوال مولوی محمد شفیع را بیان کرده و کار تصحیح مطلع سعدین او را تحسین نموده است. دکتر نوایی در این «اعتذار» می‌گوید که جلد دوم که به اهتمام او به چاپ رسیده، کاملاً کپی و رونویس چاپ مولوی محمد شفیع است و تعلیقات مولوی محمد شفیع نیز بدون هیچ کم و کاست شامل گردیده و او از جانب خود چیزی نیفزوده است: «به همان انشاء و املائی او و همراه آن منابع و مأخذ و لغت‌نامه ترکی و مغولی را بی‌کم و کاست آوردم و هرگز از خود چیزی بر آن نیفزودم» (ص: نه). در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که اگر این تجدید چاپ کار مولوی محمد شفیع است، پس در صفحه عنوان چرا نام مولوی محمد شفیع به عنوان مصحح نیامده است؟

۲۰. متن این کتاب با احوال گردآورنده ملفوظات و تعلیقات در احوال و سخنان خواجه عبدالله احراز، چاپ تهران، ۱۳۸۰ ش به تصحیح نگارنده این سطور شامل است.

۲۱. در سال وفات بیدل ۱۱۳۳ هـ، همه اتفاق نظر دارند و مزار او در دهلی است. از اطلاعاتی که مؤلف در این مورد فراهم کرده، گمان می‌رود که او منبع مستندی پیش خود نداشت و به مسموعات اعتماد کرده است.

۲۲. در دفتر نام کتاب تراجم مشایخ الاحرار به المجذبه ثبت شده است و همین نام در فهرست‌های ایرانی انتقال یافته است. ر.ک: پی‌نوشت ۱۶.

۲۳. پرفسور محمد اقبال مجددی در مقدمه خود بر مقامات معصومی (ج ۱، ص ۳۷۷) به استناد و فهرست‌های ایرانی به یک نسخه مقامات معصومی در رباط مظفر، مدینه منوره اشاره کرده است. این رباط و مکتبه عارف حکمت (ساختمان قدیمی) در عملیات توسعه حرم نبوی در داخل حدود حرم قرار گرفت. آقای مجددی در سفر مدینه نتوانست این رباط را پیدا کند و نسخه را هم نتوانست ببیند. مرحوم دانش پژوه شماره نسخه را ۱۵۲ نوشته است.

۲۴. ثواب المناقب الاولیاء الله در واقع تلخیصی از مناقب العارفين شمس‌الدین احمد افلاکی با ترتیبی جدید است. ر.ک: عارف نوشاهی، «ثواب المناقب اولیاء الله: ماخذی فراموش شده درباره مولانا و مولویه» در مقالات عارف، تهران، ۱۳۸۱ ش / ۲۰۰۲ م، ص ۸۳-۹۹.

۲۵. همان وصیت‌نامه است که افلاکی (م ۷۶۱ هـ) در مناقب العارفين و جامی در نجات الانس در ضمن احوال مولانا درج کرده است. روایت نسخه ما به علت قدمت با روایت مناقب العارفين هم‌سری می‌کند.

۲۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، ایران، قم، از سید محمود مرعشی نجفی با همکاری میر محمود موسوی، قم، ۱۳۸۴ ش / ۲۰۰۵ م، ج ۳۳، ص ۴۶۸-۴۶۹ معرفی نسخه؛ ص ۹۰۸ عکس صفحه آخر نسخه، یک نسخه خطی دیگر منوی شریف که

- تاریخ کتابت آن ۱۰ ربیع الاول ۷۹۸ هـ. است در کتابخانه مرعشی، قم [شماره ۱۳۲۵۱] موجود است. کتاب این نسخه ابراهیم الملقب به شیخ چه بن اسحاق بن ابراهیم الترابی است (همان، ص ۴۶۸-۴۶۹، ۸۹۵ عکس).
۲۷. تاریخ ملازاده به اهتمام احمد گلچین معانی از انتشارات کتابخانه ابن سینا، تهران، در سال ۱۳۳۹ ش. انتشار یافته است.
۲۸. فهرستواره کتابهای فارسی، ص ۱۹۸۰؛ ۲۱۴۳.
۲۹. همان، جلد ۲، ص ۱۰۲۸.
۳۰. فضائل بلخ، ابوبکر عبدالله بن عمر بن محمد بن داؤد واعظ بلخی، ترجمه عبدالله محمد بن محمد بن حسین حسینی بلخی، به تصحیح و تحشیه عبدالحی حسینی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰ ش.

### منابع

- الاعلام، زرکلی، بیروت، ج ۱، ۱۹۹۰ م.
- سلک الدرر فی اعیان القرن الثانی عشر، سید محمد خلیل مرادی، چاپ بولاق، جلد ۳، ۱۳۰۱ هـ.
- فهرست مخطوطات دارالکتب الظاهریه (قسم التصوف)، محمد ریاض مالح، دمشق، جلد ۱، ۱۹۷۸ م.
- فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، احمد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، جلد ۳، ۱۳۷۶ ش.
- زده الخواطر و بهجة المسامع و الشواظر، عبدالحی الکنوی، چاپ حیدرآباد دکن، جلد ۶، ۱۳۷۶ هـ.
- هدیه العارفين، اسماعیل پاشا بغدادی، بیروت، ج ۱، بدون تاریخ [عکس چاپ استانبول ۱۹۵۱ م.].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



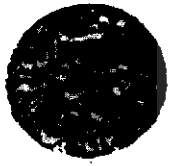
منه ففرانس السابق على الامام الشريف نورش  
 وادكتف الذي هز زمين فبات السبق في صفار  
 انشعرت ونام الله لم يعلو في عهد الامام  
 انما عرف على السلسلت حالي ارض بركه خفيه  
 اصحت ازمان عارف الامان كان السلفه  
 انما برعه كنهه فابا مرمه على الخالق اني ان  
 على شانه و...  
 لارالت رايات في مضمونه على من السه وبارت  
 آيات بحر وكنزه على لوح البقا ورمعه اجد ان آيات  
 درم زينت اسكندريه بركه هات اوابا  
 سى صفت الابه زده اعلى غلغله زنده اوكلك  
 اسير بيزه ان وكنك سرتك لي بيهامه احوال وانك  
 على ارضه الى بخير اجد اكله كرهه حضرت سرتك

اهما ستمنى على آيات السوريات و...  
 اقتناء رداصل على بيت النبي وعلى آله واهله  
 انما...  
 احوال...  
 الاصفى...  
 هم الله...  
 منس...  
 صفت...  
 الرزق...  
 الى خارج...  
 الله

تصوير ۱. احوال ناصرالدين عمر بن دانيال، شماره: ۹۰۲/۶۸، صفحات آغازين.



فیض شیخ روز جزاست و صدر حمت در فزوان بر خلاصه  
 دو دمان عالی شان که اهل بیت شرف و کرامت و سزاوار  
 عصمت و امامت اند و بر زمره اصحاب اولی الالباب که عامل  
 لواء نصرت ملت و دین و یاران برگزیده سید المرسلین اند  
 بزرگی بنیویماید قطعه بوجهی که کند سحر شفاعت نوچه عیان فردی  
 عبادت کناره از جبین به در افتاب قیامت زطلت مصیبت  
 کنه کار شود زیرا بر سایه شمشین به اما بعد چنین میگوید بنده فقیر  
 تقصیر العبد العاصی علم الله العباسی که در بخا دهند و ستان که موطن  
 محبان و ماوای دوستان است و منشا عجایب مخلوقات  
 و منبت غرائب نباتات و اول مکتوبه ارض الله و منظر آدم  
 صلی الله علیه و آله من بعض الحکم فیقال عن الهند ارضه جنة و ثوابه جنة  
 و تریه مسک و عسبا و جوهر و شجره خود در این چنین زمین خرم این  
 تربیت یافت و از علمای عظام و فضلاء فحام علوم عقیده و نقلیه استناد  
 کرده و از مجلس شورا و ادب امرای بعد از نصب خطی اند و حشر  
 و بر فن ایز اهل آن فن اخذ کرده استناد این فقیر در علم شعر و شاعری  
 مشهور زمان خاقانی و انوری عصر و آوان فقیر الله التلخیص باقرین  
 لاجوری رحمه الله بوده که درین فنون شعر و نظم به همتا بود در جمیع  
 بلاد هند و ستان مشهور و اشعار وی بر زبان مردمان مذکور  
 روزی بخند حمت شیخ ماخذ افضل معقول دان که در علوم عقلیه و غیره  
 منطقیه و رموز فلسفیه فزید عصر بودند و در آخر به تیغ شناسدات انجام  
 بدست لشکر بایان نادر شاه بروز و واقعه لاهور شمشید و مغفور شدند  
 روزی میان آفرین لاهوری بزیارت آمدن شیخ مادر جوهر است که  
 کردند تا شری تازه از نو زاده کان طبع شریف و فکر طریف خود  
 اظراف ما بینه نماید که بچاند یاد دارم که این غزل تازه بر دفتر کتاب  
 نوشته بودند غزل خوشش بچان که بقیتم که کین بستند



تصویر ۳. دریای روح و تیشم نوح، دیباچه

در جستجوی نسخ / نسخه های خطی / مدینه منوره



تصویر ۴. دریای روح و تیمم نوح، خاتمه

دوره جدید، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷ (پیاپی ۴۲)

<p>چون بچندین روز میسر ماورد لیکنه یا از صد روز که گذشت مست در نقش چون شاد مست سید چون در حله دیگر شایسته می سید کج در نگرید دامنش اندازد این بند در دست خود</p>	<p>بدر کمان که هر زبان برده که بیای نطق کاوین نه بوی صدق و بوی کز کوه با نیک چیزان و شجاع از لیس از خواران بدانند بهتر القت دامن سردار در جین بود القت اگر این نیک باشند بود</p>	<p>نابدا نم حد ابراز کشف را از بی بر شد صورت هر از تاب خست بید از سموم کوشش ز شام فاسد خود ذکر کله چون بچند تو بدانی چه آبا وقت بخویز بد بدانشکته ورنگو بید در سخن به شمس</p>	<p>هنوز نقد کاملی گوید باز بروز که حکم چون یک شوره کجا آن سستی که بیاید از جمر نور نمانی باز از زده دل نور زبان همچون سردی است مست بود یک نوی چون زدی عنان که گفت او نیک بزدان</p>
<p>م</p>			
<p>تو خطی ای این که بگو این کت از حال رشت انصافه دونم کوتی من خست مطلق میرون از بوی</p>	<p>با نیکو رستان و حای لفس که در آن خیال بود تو می آموزیم که جنت با کز امین سوی کرده آن سراور از جن شناسی بدر بخوشد در حضورش از از ضمیر چون سید اندر</p>	<p>که خیال ابدت در شب فرا او نیکر دانند تو در حال ز امر ما در پس من از غالب از وی کرده در خصم خنده را دانسته باشد از نا بر ایم خصم مفتاح الفرج من بدانم که فرستاد آن</p>	<p>افتدالت افتت ما در بجه دل قوی دار و بکن حمله بود جمله آدم افتد اندر کردیم بدر و مردم را ملقب آن یکست فتت اگر از مکر ناید در کلام صبر را سلم کنم سوزی در</p>
<p>در دین آن سخن از سینه زانکه از دل جانب دل و دونه</p>			
<p>بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام على المرسلين اللهم صل على محمد وآله الطيبين الطاهرين الذين هم خلائفك على القدرين اللهم صل على محمد وآله الطيبين الطاهرين الذين هم خلائفك على القدرين</p>			

در جستجوی نسخ / نسخه های خطی مدینه منوره

تصویر ۵. مثنوی مولوی، مکتوبه ۷۷۰ هـ

